

الحمد لله
الرحمن
الرحيم



گزارش راهبردی سیاسی - ۳۱

تعهدات بین‌المللی در دولت یازدهم

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مرکز پژوهشی آرا

انديشكدهٔ سياست‌هاي راهبردي روشن آرا (اسرا)

دپارتمان امنیت ملی

ویرایش اول، تابستان ۱۳۹۶

طراحی جلد و صفحه‌آرایی و چاپ: واحد گرافیک مؤسسه پیام‌رسان حکمت و اندیشه

غیر قابل انتشار

داخلی و به منظور استفاده شخصی شما فرهیخته گرامی ارسال می‌گردد.

کلیه حقوق مادی و معنوی اثر متعلق به مرکز پژوهشی آرا می‌باشد.

شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۶۳۹۶۱-۲

ararc.ir



تعهدات بین‌المللی در دولت یازدهم



۶	مقدمه
۸	خلاصه اجرایی
۱۱	چارچوب حقوقی تعهدات بین‌المللی
۱۱	رضایت دولت و اصل وفای به عهد
۱۴	تعهدات حقوقی بین‌الملل
۱۵	معاهدات
۲۰	کنوانسیون
۲۰	اساسنامه
۲۱	اعلامیه
۲۱	پروتکل
۲۲	ضمانت اجرای حقوقی نقض تعهدات بین‌المللی
۲۴	بررسی تعهدات بین‌المللی دولت یازدهم
۲۶	لایحه «موافقتنامه پاریس»
۲۸	تحلیل و جمع‌بندی
۳۲	کنوانسیون بین‌المللی حمایت از ارقام جدید گیاهی
۳۳	تحلیل و جمع‌بندی
۳۶	پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد به‌کارگیری کودکان در منازعه مسلحانه
۳۷	تحلیل و جمع‌بندی
۳۹	کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی



۴۱	تحلیل و جمع‌بندی
۴۵	لایحه تصویب کنوانسیون میناماتا در مورد جیوه
۴۶	تحلیل و جمع‌بندی
۴۹	موافقت‌نامه‌های تعهدآور بین‌المللی
۵۰	گروه ویژه اقدام مالی FATA
۵۳	تعهدات ابتدایی
۵۴	تعهدات پس از ورود به FATF
۶۰	تحلیل و جمع‌بندی
۶۵	برجام
۶۷	تحلیل و جمع‌بندی
۷۱	توافق ۲۰۳۰ برای تدوین سند آموزش و پرورش ایران
۷۳	نقدهای مرتبط با سند ۲۰۳۰
۷۶	منابع



مقدمه

«در محیط سیاست خارجی باید یک دیسپلین قوی حاکم باشد. من هم به شما سفرای محترم و هم به مسئولان ستادی وزارت خارجه می‌گویم که این میدان را به میدان جنگ - که واقعاً هم یک جنگ است - تشبیه می‌کنند. در جنگ، دیسپلین نظامی خیلی مستحکم و قوی است. در میدان جنگ اینطور نیست که فرمانده یک گردان یا فرمانده یک تیپ عقیده‌اش عوض شود و بگوید مصلحت نیست ما به این طرف حمله کنیم، برگردد و لوله توپش را بگیرد به آن طرف! حالا اگر تشبیه میدان سیاست خارجی به میدان جنگ را اغراق‌آمیز بدانید، حداقل باید بگوییم که میدان رقابت است؛ مثل میدان ورزش و زمین فوتبال. در میدان فوتبال، سرپرست یک تیم اجازه نمی‌دهد که تاکتیک‌های او را بازیکنان تغییر دهند. تاکتیک‌ها مشخص است؛

یکی می‌تواند، یکی نمی‌تواند. نظر، البته آزاد است. ممکن است یکی از اعضای تیم نظرش این باشد که این تاکتیک یا کلاً غلط است یا اینجایش غلط است؛ اما وقتی تاکتیک بازی مشخص شد، آن شخص دیگر حق ندارد آن‌جایی که باید باشد، حضور نداشته باشد؛ آن‌جایی که نباید باشد، حضور داشته باشد؛ آن‌جایی که باید پاس بدهد، ندهد؛ آن‌جایی که باید شوت کند، شوت نکند. میدان سیاست خارجی چنین صحنه‌ای است. این پذیرفته نیست که اگر من در فلان‌جا کارگزار سیاست خارجی جمهوری اسلامی هستم و عقیده‌ام این است که این سیاست نظام غلط است، بر طبق عقیده خودم رفتار کنم؛ نه، این به شکست کشاندن کل بازی است. می‌توانیم بگوییم ما این سیاست را قبول نداریم و مسئولان سیاست‌گذار را قانع کنیم. اگر قانع نشدند، ما اختیار داریم یکی از دو راه را انتخاب کنیم؛ یا بگوییم دیگر در آن مجموعه کار نمی‌کنیم، یا بگوییم کار می‌کنیم و سیاستش را هم قبول داریم. دیسپلین سیاست خارجی این است؛ این را همه؛ هم برادران صف بدانند، هم برادران ستاد»^۱.

خلاصه اجرایی

با روی کار آمدن دولت یازدهم در ۱۳۹۲ و تسلط سیاست‌های غرب‌گرایانه بر فضای سیاست خارجی، روند پیوستن ایران به معاهدات، کنوانسیون‌ها، اساسنامه‌ها و توافقنامه‌های بین‌المللی سرعت بیشتری گرفت. دولت یازدهم بر این عقیده بود که برای حل مشکلات اقتصادی مردم باید در نظم بین‌المللی ادغام شد و پذیرش تعهدات بین‌المللی یکی از اصلی‌ترین پیش‌فرض‌های این ادغام تلقی می‌شده است. با در نظر گرفتن این نکات، پذیرش تعهدات بین‌المللی از دید حقوق بین‌الملل پیامدهای خاصی در پی دارد که در چارچوب تعهدات یک دولت^۱ قرار نمی‌گیرند، بلکه در راستای منافع کلان کل کشور^۲ تعریف می‌شوند و هزینه‌های پایدار و قابل‌اعتنایی برای کل کشور ایجاد می‌کنند. دیدگاه دولت یازدهم درباره ادغام در نظم بین‌المللی و پذیرش تعهدات بین‌المللی الزام‌همسو و منطبق با دیدگاه سیاست‌های کشور و نظام سیاسی نیست، ولی پذیرش تعهدات بین‌المللی از سوی دولت او به مفهوم تحمیل این تعهدات بر کل کشور است. بنابراین بررسی این تعهدات بین‌المللی و اثرات بلندمدت آن بر کشور ایران موضعی بوده است که تحقیق پیش رو بر آن متمرکز است.

تعهدات بین‌المللی که دولت یازدهم بر پذیرش آن‌ها متمرکز شده است، قابل تقسیم به دو بخش معاهدات بین‌المللی و توافقنامه‌های بین‌المللی است. معاهدات بین‌المللی به محتوا و روح آن توافق فراتر از قالب شکلی آن اطلاق می‌شود. بنابراین روح معاهدات

1 - Government

2 - State

بین‌المللی که در دولت یازدهم منعقد شده یا تلاش برای پیوست به آن‌ها داشته، معیار تقسیم‌بندی پژوهش حاضر بوده است؛ برای مثال، برجام که در قالب یک توافق بین‌المللی انجام شده است از این دید یک معاهده بین‌المللی محسوب می‌شود. بر این اساس تعهدات مختلفی که ذیل عناوین مختلف در دوره دولت مذکور یا پذیرفته شده و یا در حال پذیرش است که در مجموع با نقدهایی همراه هستند که در ادامه به بیان و بررسی آن نقدها خواهیم پرداخت.

- بسیاری از این تعهدات بین‌المللی برای ایران محدودیت‌هایی به همراه دارند که مورد اجماع همه گروه‌های داخلی نیست و تنها از دید سیاست خارجی دولت یازدهم و چارچوب غرب‌گرایانه آن‌ها درست به نظر می‌رسد.
- بسیاری از تعهدات حقوقی پذیرفته‌شده سبب نفوذ اطلاعاتی و امنیتی کشورهای غالب در نظم بین‌المللی نسبت به جامعه داخلی ایران می‌شود. از این دیدگاه توافقنامه‌هایی مانند FATF، کنوانسیون مبارزه با جرایم فراملی، برجام و... عملاً ابزار نفوذ در داخل کشور را از طریق حقوق بین‌الملل و کاملاً مشروع فراهم می‌کنند.
- در پذیرش دسته‌ای از این تعهدات بین‌المللی ایران ملزم به ایجاد زیرساخت‌های حقوقی می‌شود که در برخی موارد به قوانین حاکمیتی ایران مربوط می‌شود؛ از طرف دیگر، شتاب دولت یازدهم در پذیرش تعهدات بین‌المللی نظیر کنوانسیون مبارزه با جرایم فراملی اجازه صبر و آزمون و خطا در تدوین یک قانون خوب متناسب با نیازهای جامعه ایران را از آن سلب می‌کند.

- در برخی از این تعهدات ایران ملزم به پذیرش برخی محدودیت‌های صنعتی یا تلاش برای ارتقای تکنولوژیک می‌شود که فراتر از هزینه‌های سنگین می‌تواند فرآیند توسعه صنعتی ایران را با مشکل مواجه کند. تعهدات توافقنامه پاریس، جیوه مینماتا از جمله این توافقنامه‌ها هستند.
 - برخی از این توافقنامه‌ها نظیر اصلاحیه منع به‌کارگیری حقوق کودک در منازعات مسلحانه اصولاً اختیاری است و ایران لزومی به پذیرش آن ندارد. علاوه بر این، ساختار نیروهای مسلح ایران نظیر بسیج را تهدید می‌کند.
 - برخی از تعهدات ذکر شده که حتی پذیرفته نیز شده است می‌تواند به‌صورت بالقوه ایران را تبدیل به بازار مصرفی برای کالاهای غربی کند. از این دید، کنوانسیون حفاظت از ارقام گیاهی طبق گزارش‌های کارشناسی از این قابلیت برخوردار هستند.
 - مفهوم تروریسم، اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های دوربرد از جمله مفاهیمی هستند که در صورت پذیرش تعهداتی که مورد نظر دولت یازدهم است، می‌تواند ابزار قانونی برای منزوی کردن ایران و تحریم این کشور در اختیار کشورهای غربی قرار دهد.
- هریک از تعهدات ذکر شده با توجیحات سیاسی و حقوقی مورد نظر دولت همراه هستند، اما مسأله این پژوهش دلایل ارائه شده از سوی دولت نیست، بلکه تحلیلی است که همه نظرات موافق و مخالف سیاسی و حقوقی تعهدات مورد نظر را دربر داشته باشد.

چارچوب حقوقی تعهدات بین‌المللی

بررسی تعهدات بین‌الملل یک کشور در دوره‌های زمانی خاص از یک طرف نیازمند درک درستی از چارچوب حقوقی تعهدات بین‌المللی، چگونگی پذیرش و اجرایی شدن آن‌ها است و از طرف دیگر، نیازمند تحلیل دقیق مفهوم تعهد در قالب اقدامات تعهدآور بین‌المللی است؛ از این‌رو، برای رسیدن به فهمی دقیق از مفهوم تعهد و رسیدن به درکی دقیق از اقدامات انجام شده در دولت یازدهم، پژوهش پیش رو به دو بخش چارچوب حقوقی و بررسی اقدامات تعهدآور دولت یازدهم در این چارچوب حقوقی تقسیم خواهد شد.

رضایت دولت و اصل وفای به عهد

برای درک مفهوم تعهدات بین‌المللی دولت، اولین قدم عبارت است از درک دو اصل اساسی حقوقی بین‌الملل کنونی که تعهد بین‌المللی را برای دولت‌ها ایجاد می‌کند. در جهان کنونی، مبنای تعهدات بین‌المللی عبارت است از قرار گرفتن دولت‌ها در نظم حقوق بین‌الملل بر اساس پذیرش دولت‌ها به‌عنوان موجوداتی با حاکمیت‌های برابر حقوقی^۱ که تعهداتی را برای تضمین موجودیت نظم ذکر شده بر خود تحمیل

۱ - در متون حقوقی، حاکمیت به ویژگی‌ای از دولت اطلاق می‌شود که قدرت برتر فرماندهی در سرزمینی خاص را در اختیار دارد. بنابراین اقتدارش به‌صورت خودجوش است و مانعی در حوزه داخلی و خارجی را بر نمی‌تابد. در شرایط کنونی غالباً دولت و حاکمیت به‌عنوان دو روی یک سکه شناخته می‌شوند و کشور بدون حاکمیت وجود ندارد. این تعریف حقوقی از برابری‌های حاکمیتی در حقوق بین‌الملل با آنچه در شرایط بین‌المللی در دنیای سیاست بین‌الملل به‌چشم می‌خورد تطابق ندارد و تنها سطح قدرت کشورها مشخص‌کننده ارزشمندی و توانمندی حاکمیتی آن‌ها به‌شمار می‌رود.

می‌کنند. از این‌رو، پذیرش حاکمیت‌های برابر باعث شکل‌گیری اصل رضایت دولت‌ها در حقوق بین‌المللی می‌شود؛ به این مفهوم که حقوق بین‌الملل تنها در صورتی می‌تواند بر یک دولت تعهدات بین‌المللی تحمیل کند که آن دولت به شرایطی که در ادامه ذکر خواهد شد، رضایت خود را در پذیرش تعهد مذکور اعلام نماید. براساس نرم‌های کنونی حقوق بین‌الملل به‌خصوص کدهایی که توسط نهادهای هنجارساز بین‌المللی نظیر منشور ملل متحد، دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی ایجاد شده‌اند؛ رضایت دولت‌های دارای حاکمیت مبنایی برای تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل برای آن‌ها است. این مسأله در قضیه لوتوس^۲ نیز ذکر شد و در آن دیوان دائمی دادگستری بیان کرد که حقوق بین‌المللی میان دولت‌های با حاکمیت مستقل شکل گرفته و الزامات بین‌المللی پذیرفته شده توسط دولت‌ها به دلیل پذیرش و رضایت آن‌ها است. بنابراین اراده آزاد دولت‌ها منشأ حقوق بین‌الملل است و نمی‌توان آن را مبنایی برای تحدید حاکمیت دولت‌ها تلقی کرد.^۳ متن این رأی نیز دلالت ذکر شده بر رضایت بین‌المللی دولت‌ها و استقلال حاکمیت آن‌ها را به نمایش می‌گذارد. «حقوق بین‌الملل بر روابط میان دولت‌های

1 - Norms

۲ - در این قضیه که در ماه اوت ۱۹۲۶ در دریای آزاد بین دو کشتی متعلق به دو کشور ترکیه و فرانسه تصادفی رخ داد و منجر به غرق شدن کشتی ترک گردید، مقامات ترکیه علیه فرمانده کشتی فرانسوی «لوتوس» اقامه دعوی کیفری نمودند. این قضیه در سال ۱۹۲۷ به دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی ارجاع شد. دیوان با تأیید نظر ترکیه و رد ادعای فرانسه رأی تاریخی خود در خصوص حاکمیت دولت‌ها را صادر کرد.

3 - The S.S. 'Lotus' (France v. Turkey), Permanent Court of International Justice, 7 September 1927. Cited from: Joošt P.J. Wielink, *Jurisprudentie en documentatie internationaal publiekrecht*, Boom Juridische uitgevers, Den Haag 2006, p. 281

مستقل حاکم است. از این رو قواعد حقوقی ملزم‌کننده دولت‌ها از اراده آزاد آن‌ها نشأت می‌گیرد که در کنوانسیون‌ها یا عرف‌هایی منعکس است که بیانگر اصول حقوقی هستند... و برای تنظیم روابط میان این جوامع مستقل همزیست یا برای دستیابی به اهداف مشترک برقرار گردیده‌اند». این رأی و آرای اینچینی در واقع تأییدی هستند بر این دکتترین که حقوق بین‌الملل چون با اراده دولت‌های حاضر شکل گرفته‌اند، بنابراین الزامات و قواعد تحمیل‌کننده آن نیز به‌نوعی نشان‌دهنده اراده خود حاکمیت‌ها برای حکومت بر خود است.

تالی منطقی اصل رضایت دولت‌ها را اصل دیگری شکل می‌دهد که پذیرش دولت‌ها نسبت به تعهدات حقوق بین‌الملل را قالب‌بندی می‌کند. از این رو دومین اصل حقوق بین‌الملل که «وفای به عهد»^۱ است، متولد می‌شود. بر مبنای این اصل، دولت به محض اعلام رضایت برای پیوستن به حقوق بین‌الملل، به تعهدات ناشی از آن نیز ملزم می‌شود. از دید کاسسه اهمیت فوق‌العاده و اولیه قراردادها در حقوق بین‌الملل ایجاد دوستی‌ها و وفاق‌های بین‌المللی هستند و تمامی این توافقنامه‌های تعهدآور بین‌المللی (قراردادها، کنوانسیون‌ها، پروتکل‌ها، مصوبه‌ها) نمایان‌گر تلفیق اراده‌های دو یا چند تابع حقوق بین‌المللی و با هدف تنظیم منافع مشترکشان از طریق قواعد بین‌المللی هستند.^۲ اصل وفای به عهد در مقام اعمال شدن توسط قاعده‌ای ثانویه با

1 -Pacta Sunt Servanda

۲ - آنتونیو کاسسه، حقوق بین‌الملل، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، تهران: میزان، ۱۳۸۵، ص ۲۳۲ و نیز مراجعه شود به محمدرضا آرام، سید محمدرضا احمدی طباطبایی، اصل وفای به تعهدات و قراردادها؛ مقایسه حقوق بین‌الملل اسلامی و حقوق بین‌الملل معاصر، سال چهارم، شماره اول، پایپی ۶، پاییز و زمستان، ۱۳۹۳، ص ۶.

عنوان لزوم وفای به عهد همراه می‌شود که به قاعده‌ای اجباری در حقوق بین‌الملل تبدیل می‌شود. از این‌رو، زمانی که دولت به‌عنوان عضوی از حقوق بین‌الملل پذیرفته شد و تعهدی را با رضایت خود پذیرفت، بر اساس قاعده لزوم پایبندی به تعهدات خود ملزم خواهد شد که به تعهدات خود پایبند بماند؛ هرچند ضمانت اجرای عدم پایبندی نیز در حقوق بین‌الملل یا اجرا نشده و یا اجرای آن تابعی از قدرت سیاسی کشورهای دارای حاکمیت حقوق بین‌المللی است. ماده ۲۶ کنوانسیون وین نیز به‌عنوان یک معاهده نرم‌ساز بین‌المللی بر این اصل صحه گذارده و بیان داشته است: «هر معاهده لازم‌الاجرائی برای طرف‌های آن تعهدآور است و باید توسط آن‌ها با حسن نیت اجرا گردد».^۱ بر اساس سازه‌های حقوقی کلان ذکر شده، تعهدات بین‌الملل در شکل‌های متفاوت می‌تواند بر دولت‌های مختلف نظام بین‌الملل تحمیل شود که در ادامه بدان‌ها پرداخته می‌شود.

تعهدات حقوقی بین‌الملل

فراتر از بنیادهای حقوقی بین‌المللی تعهدات حقوقی محدودکننده حاکمیت کشورها می‌تواند در اشکال مختلف تنظیم شود. این قالب‌های حقوقی پذیرش تعهدات بین‌المللی به لحاظ ماهوی می‌تواند با سایر چارچوب‌های حقوقی هم‌پوشان باشد که اثرات حقوقی متفاوتی را برای کشور به همراه داشته باشد؛ برای مثال، یک توافقنامه بین‌المللی چند جانبه از لحاظ شکلی یک توافقنامه تلقی می‌شود، ولی

۱ - این معاهده در آدرس زیر قابل دسترسی است: <http://legal.un.org>

همزمان می‌تواند اثرات ماهوی یک معاهده بین‌المللی را برای کشور ایجاد کند. بنابراین، در بخش فعلی، فراتر از بحث شکل تعهدات بین‌الملل، به مسأله تأثیرات ماهوی این تعهدات نیز پرداخته خواهد شد، اما پیش‌نیاز این موضوع داشتن درک درستی از تعهدات بین‌المللی است که بیان و توضیح مختصر اشکال حقوقی تعهدآور بین‌المللی برای کشور را ضروری می‌کند. در ادامه به بررسی این قالب‌های حقوقی تعهدآور بین‌المللی خواهیم پرداخت.

معاهدات

برای واژه معاهدات بین‌المللی تا کنون تعاریف متفاوتی ذکر شده است که تقریباً تمام آن‌ها دارای وجوه مشترک بسیار زیادی با هم از یک‌طرف و با کنوانسیون بین‌المللی تعریف معاهدات بین‌المللی از طرف دیگر هستند. کنوانسیون بین‌المللی وین سال ۱۹۶۱ معاهدات بین‌المللی را اینگونه تعریف می‌کند: «معاهده عبارت است از یک توافق بین‌المللی که بین کشورها به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل باشد، صرف‌نظر از عنوان خاص آن و اعم از اینکه در سندی واحد یا در دو یا چند سند مرتبط به هم منعکس شده باشد».^۱ با این حال کشورهای مختلف و اندیشمندان متفاوت به ارائه تعاریف مختلفی از معاهدات بین‌المللی اقدام کرده‌اند. کتابخانه دانشگاه برکلی آمریکا معاهدات بین‌المللی را توافقی تعریف می‌کند که از

طریق مذاکره و رضایت ایجاد شود و در سنای این کشور به تصویب برسد.^۱

نظیر این شرط در حقوق ایران نیز وجود دارد و معاهده به مفهوم یک توافق بین‌المللی کتبی است که بین دو یا چند تابع حقوق بین‌الملل بر اساس قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل باشد. ایران برای اینکه در حوزه سرزمینی قدرت اجرایی کسب کند، باید بر اساس اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تشریفات کامل یک قانون به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و تأیید شورای نگهبان قانون اساسی را به‌دست آورد و در روزنامه رسمی به چاپ برسد. مفهوم معاهده نیز در قانون اساسی ایران تعریفی گسترده دارد و تمامی حوزه‌های شبیه را دربرمی‌گیرد. بر این اساس قانون اساسی تمامی عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی را تابعی از تصویب مجلس شورای اسلامی در نظر گرفته است.^۲

بلدسو، استاد حقوق بین‌الملل نیز توافق بین‌المللی را از معاهدات بین‌المللی تفکیک کرده و می‌گوید: یک توافق بین‌المللی است؛ یعنی میان تابعان حقوق بین‌الملل صورت می‌گیرد. بنابراین توافقی که میان اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی، مثل شرکت‌های تجاری، بازرگانان و... منعقد می‌گردد، معاهده به شمار نمی‌آید. علاوه بر دولت‌ها، معاهدات ممکن است به نمایندگی از دولت‌ها، میان رؤسای

۱ - این تعریف در سایت زیر قابل دسترسی است: <https://www.law.berkeley.edu>

همچنین کتاب زیر در این زمینه اطلاعات مبسوطی دارد:

9th ed., Westbury, NY: Foundation) Jacobstein, Myron J. and Roy M. Mersky, *Fundamentals of Legal Research*. International Law" for a good discussion of treaty research sources" ۲۰ See chapter [۱۹۹۸ J۳۲. KF۲۴۰] (۱۹۹۸, Press

۲ - متن کامل قانون اساسی ایران در پایگاه اینترنتی زیر قابل دسترسی است: <http://rc.majlis.ir>

دولت‌های طرف‌های متعاقد، بین حکومت‌ها، بین وزیران امور خارجه یا وزیران دیگر دول ذریبط، بین نمایندگان دیگر سازمان‌های حکومتی یا بین رؤسای قوای مسلح، مثلاً در مورد قرارداد آتش‌بس منعقد گردد.^۱

با تعاریف ذکر شده، تصویر نسبتاً روشنی از مفهوم معاهده در ذهن پدیدار می‌شود که می‌توان از آن برای روشن کردن بیشتر این قالب حقوق بین‌المللی استفاده کرد. عنوان معاهدات بین‌المللی در صورت داشتن سایر شرایط می‌تواند واجد اثرات حقوق بین‌المللی معاهده باشد و تنها ذکر نام معاهده نمی‌تواند دخالتی در تأثیرات آن داشته باشد؛ از طرف دیگر، وجود شرایط شکل‌گیری یک معاهده بین‌المللی به لحاظ ماهیتی اثرات حقوق بین‌المللی معاهدات را به همراه خواهد داشت، هرچند با نام دیگری ذکر شوند. معاهدات از نظر نوع می‌توانند معاهدات عام و قانون‌ساز^۲ باشند که همه بازیگران حقوق بین‌الملل را دربرگیرند و می‌توانند معاهداتی خاص باشند برای اینکه چند عضو متعاقد^۳ به منافع خاصی برسند. این تقسیم‌بندی نمی‌تواند ماهیت معاهدات را تغییر دهد، بلکه دامنه اثرگذاری آن‌ها را در موضوعات مختلف با تغییر مواجه می‌کند.^۴

۱ - رابرت بلدسو، بوسچک، فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه بهمن آقایی، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۵۸، ص ۴۰۰؛ به نقل از سید محمدعلی عبداللهی، آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم معاهده بین‌المللی، مرکز پژوهش‌های شورای نگهبان، ۱۳۹۳، ص ۱۱.

۲ - میثاق جامعه ملل، منشور ملل متحد، عهدنامه‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ در زمینه مقررات حقوق بشر دوستانه، عهدنامه‌های وین ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ در زمینه روابط دیپلماتیک و کنسولی و عهدنامه وین ۱۹۶۶ در زمینه حقوق معاهدات از جمله این معاهدات هستند.

۳ - نظیر موافقت‌نامه‌های تجارتي و فرهنگی.

۴ - محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ ۳۴، ۱۳۸۷، صص ۹۹ و ۱۰۰.

در مورد چگونگی پذیرش معاهدات بین‌المللی در حقوق داخلی ایران تفاوت نظر اساسی میان حقوقدانان وجود دارد؛ دسته اول معتقدند بر اساس اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی و نیز بر اساس ماده ۹ قانون مدنی معاهدات بین‌المللی عبارتند از: «کلیه عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی میان دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی باید که به تصویب مجلس شورای اسلامی برسند و سپس رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او آن‌ها را امضا کند و در حکم قوانین عادی هستند و از سوی تمامی تابعان قوانین ایران باید مورد متابعت قرار گیرد». در این تحلیل «کلیه معاهدات» مفهوم عام و تعریفی موسع از توافقات بین‌المللی است و قانونگذار اساسی با صراحت و بدون هیچگونه قید محدودکننده و یا تخصیص وضعی و موضوعی بدان اشاره کرده است.^۱ این دسته از حقوقدانان برای تأیید نظرات خود به «آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقات بین‌المللی»^۲ مصوب هیأت وزیران در ۱۳۷۱ نیز استناد می‌کنند که بر اساس ماده ۲ آن، تنها توافقاتی که سادگی و نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی نیستند و سایر توافقات تشریفاتی حتماً نیازمند تصویب مجلس هستند؛ از طرف دیگر، نظریات تفسیری شورای نگهبان نیز تمامی یادداشت تفاهم‌های بین ایران و سایر کشورها را چنانچه ایجاد تعهد کند، نیازمند تصویب مجلس می‌داند. در نظریه‌های شورای نگهبان تنها توافق با اشخاص خصوصی خارجی یا توافقات فنی وزارتخانه‌های مختلف تابع

۱ - مهدی، حدادی، جایگاه موافقت‌نامه‌های حقوقی ساده در حقوق ایران، نشریه مجتمعی آموزش عالی قم، پاییز ۱۳۸۱، شماره ۱۴، ص ۱۳۱ و ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ ۳۴، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴.

۲ - اطلاعات بیشتر در این خصوص در پایگاه مرکز پژوهش‌های مجلس قابل دستیابی است: <http://rc.majlis.ir>

این مسأله تعریف نمی‌شوند.^۱

دسته دوم از حقوقدانان معتقد قانون اساسی در این زمینه باید با توجه به روح قانون اساسی تنها معاهدات مهم بین‌المللی را به تصویب مجلس برسانند و وزیر خارجه به‌صورت موردی می‌تواند از مجلس درخواست کند که درباره تصویب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی از مجلس درخواست تصویب را بکند و در این صورت به محض موافقت مجلس و تأیید شورای نگهبان آن موافقت‌نامه اعتبار لازم را کسب خواهد کرد. در این نظریه که بیشتر دکتر فلسفی ارائه داده است، تقسیم‌بندی معاهدات بین‌المللی به مهم و غیرمهم صورت گرفته است که در صورت پذیرش بازه اختیارات قوه مجریه را درباره تعریف مهم یا غیرمهم بودن معاهدات یا موافقت‌نامه‌های بین‌المللی گسترش می‌دهد.^۲ البته ایشان در زمینه معاهدات مهم، ماهیت آن‌ها را مدنظر قرار می‌دهند و تأکید می‌کنند که حتی اگر در متن معاهده ذکر نشده باشد نیز نمی‌توان معاهدات مهم را بدون تصویب مجلس تصور کرد و نظام ملی را زیر پا گذاشت.

۱ - شورای نگهبان این نظرات را در تاریخ ۱۳۶۰/۰۱/۲۰ و نیز در تاریخ ۱۳۶۰/۰۷/۰۸ و همچنین در نظریه استفساری دیگر خود در ۱۳۶۲/۰۹/۰۸ این تفاسیر را ارائه کرده است.

۲ - هدایت‌الله فلسفی، حقوق بین‌المللی معاهدات، تهران: فرهنگ نشر نو، ج ۳، ویراست سوم، ۱۳۹۱، صص ۱۷۵ و ۱۷۶.

کنوانسیون

این قالب حقوق بین‌المللی در بیان اراده کشورها برای پذیرش حقوق بین‌الملل عام نظیر آن توافقاتی که در چارچوب سازمان ملل متحد صورت می‌گیرد، استفاده می‌شود. بنا بر این دید، هدف کنوانسیون عبارت است از تدوین قواعد حقوقی بنیادین و مهم بین کشورهای متعدد. کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۵۸) در مورد حقوق دریاها، وین (۱۹۶۱) در مورد روابط دیپلماتیک و (۱۹۶۳) در مورد روابط کنسولی از جمله کنوانسیون‌های مهم بین‌المللی هستند که براساس حقوق داخلی ایران قطعاً نیاز به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان دارند. کنوانسیون نیز از لحاظ ماهیتی نوعی معاهده محسوب می‌شود و از انواع معاهدات مهم و قانون‌ساز که حتی متابعت از آن احتمالاً برای کشورهایی که بدان نپیوستند، نیز ملاحظاتی را فراهم خواهد آورد.

اساسنامه

اساسنامه در واقع توافق کشورهای مختلف دنیا برای تأسیس سازمان بین‌المللی محسوب می‌شود که از لحاظ حقوق داخلی ایران نیز قطعاً باید به تصویب مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان برسد، چرا که به لحاظ ماهیتی نوعی معاهده برای تأسیس یک سازمان بین‌المللی خواهد بود که احتمالاً شرایط و مقرراتی را بر همه یا برخی از کشورها مشخص می‌کند که خودبه‌خود نوعی تعهد بین‌المللی محسوب می‌شود.

اعلامیه

برخلاف مسائل فوق، اعلامیه صرفاً در بیان اصول حقوقی یا تأیید عملی ذکر می‌شود. از لحاظ حقوق بین‌الملل اعلامیه تأثیر کمی بر ایجاد تعهد بین‌المللی دارد، ولی در اعلام موضع کشور و استفاده یا سوءاستفاده از مسائل سیاسی کشور نقش مهمی ایفا می‌کند. این فاکتور باید در چارچوب سیاست‌های کلی نظام باشد، در غیر این صورت به نظر نمی‌رسد که نیاز به تصویب مجلس داشته باشد. اعلامیه همچنین نمی‌تواند ماهیت معاهداتی به خود بگیرد؛ زیرا تنها اعلام یک نظر است و نه توافق بر عملی با تأثیرات خاص.^۱

پروتکل

واژه پروتکل از یک‌طرف برای توصیف آن دسته از اسناد حقوقی بین‌المللی استفاده می‌شود که با هدف اصلاح، ارتقا، تغییر یا تعدیل سند موجود تدوین و تنظیم می‌شوند؛ از طرف دیگر، پروتکل می‌تواند طیف وسیعی از مسائل حقوق بین‌المللی از معاهده گرفته تا ضمیمه معاهده را شامل شود؛ بنابراین پروتکل هم می‌تواند به شکل یک معاهده مستقل ترتیب داده شود و هم می‌تواند سازوکاری برای اجرای یک معاهده باشد و هم می‌تواند تفسیری بر یک معاهده، کنوانسیون یا اساسنامه تلقی شود و حتی می‌تواند ضمیمه در نظر گرفته شود که در همه موارد با در نظر گرفتن اصل

۱ - ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق معاهدات بین‌المللی، صص ۱۵ و ۱۶.

موضوع باید با آن برخورد کرد.^۱ به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن تعاریف ذکر شده، موافقت‌نامه‌های اجرایی که نیاز به تأیید مجلس ندارند از حوزه موضوعی پروتکل خارج هستند و درباره آن‌ها پروتکل وضع نمی‌شود. بر این اساس پروتکل‌ها نیز نیازمند تصویب محلی و شورای نگهبان هستند.

ضمانت اجرای حقوقی نقض تعهدات بین‌المللی

برای نقض تعهدات بین‌المللی پذیرفته شده توسط کشورها در حقوق بین‌الملل واژه مسئولیت بین‌المللی^۲ استفاده می‌شود و زمانی به کار برده می‌شود که یک دولت یکی از هنجارها و قاعده‌های حقوق بین‌الملل را نقض کند.^۳ درباره اینکه چه مسأله‌ای نقض محسوب می‌شود و چگونه این نقض برای کشور مسئولیت به بار می‌آورد و چگونه آن مسئولیت می‌تواند جبران شود، نظرات مختلفی در حقوق بین‌الملل وجود دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد. بر اساس عرف پذیرفته شده در حقوق بین‌المللی سه عنصر اصلی باید محقق شود تا یک دولت مسئولیت بین‌المللی پیدا کند: اول ارتکاب یک عمل غیرقانونی از طرف دولت موضوع مسئولیت بین‌المللی؛ دوم تحقق ضرر و زیان؛ سوم قابلیت انتساب نقض حقوق بین‌الملل به دولت مورد نظر.^۴

1 - Conde , H . Victor , A Handbook of International Human Rights Terminology , second Edition , santa Barbara CA : ABC – Clio , 2002 , P.211.

2 -State Responsibility

3 -<http://opil.ouplaw.com>

4 - Political Power

در حقوق بین‌الملل دو نظریه برای انتساب نقض حقوق بین‌الملل وجود دارد که یکی از آن‌ها به نظریه خطا یا مسئولیت شخصی شهرت یافته و در آن تأکید بر فعل یا ترک فعل مخالف حقوق بین‌الملل در صورتی که از روی خطا، سهل‌انگاری و تقصیر باشد، شده است. دومین نظریه درباره قابلیت انتساب به نظریه خطر یا مسئولیت عینی معروف شده است و هرگونه قصور و تخلف نسبت به قواعد بین‌المللی، عرفی یا قراردادی و ارتکاب عمل خلاف حقوق بین‌الملل را باعث تحقق مسئولیت می‌پندارد. بر اساس این نظریه خطا و سهل‌انگاری در تحقق مسئولیت نقش ندارد.^۱

معاهدات بسیار مختلفی وجود دارند که مسئولیت دولت‌ها را در صورت نقض عهد یا وارد آوردن خسارت به افراد خصوصی مسئول تلقی می‌کنند؛^۲ نظیر قضیه کارخانه کورزو،^۳ ولی رأی دیوان بین‌المللی دادگستری^۴ در قضیه بارسلونا تراکشن یکی از مواردی است که حتی نقض تعهد میان دو کشور مستقل را نیز بخشی از نقض تعهدات بین‌المللی

۱ - درباره مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برخی معاهدات بین‌المللی مطالبی ذکر کرده‌اند که عبارتند از: عهدنامه چهارم لاهه مورخ ۱۹۰۷ در زمینه مسئولیت بین‌المللی اعمال ارتكابی نیروهای مسلح، عهدنامه بروکسل مورخ ۲۵ مه ۱۹۶۲ و عهدنامه وین مورخ ۱۹ مه ۱۹۶۳ در زمینه مسئولیت بین‌المللی کشورها به دلیل فعالیت‌های هسته‌ای، معاهده مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۶۷ و عهدنامه مورخ ۲۹ مارس ۱۹۷۲ راجع به مسئولیت کشورها برای پرتاب اشیا به فضا، عهدنامه مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۶۹ در زمینه آلودگی دریاها بر اثر مواد نفتی.

۲ - دیوان داوری دعاوی ایران- ایالات متحده نیز در پرونده پریرا که در آن خواهان مدعی بود بعضی از اموالش بدون پرداخت خسارت، توسط دولت ایران مصادره شده است با توجه به ارائه سندی از سوی خواهان که مربوط به دخالت نیروهای انتظامی در رابطه با ضبط اموال وی بود، اعلام کرد که: «طبق حقوق بین‌الملل عمومی، دولت ایران باید مسئول اعمال پاسداران انقلاب شناخته شود». این مطلب به قلم دکتر بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری در مقاله زیر قابل دسترسی است: *The International Responsibility of States for Breach of Multilateral Obligations*, Christian Dominicé. EJIL 1999, Vol.10 No.2

3 - Chorzow Factory

4 - International Court of Justice

در نظر گرفته است. در سایر موارد نقض تعهدات چندجانبه بین‌المللی در قالب‌های مختلف ضمانت‌آور، دارای سابقه بسیار طولانی در شناسایی به‌عنوان نقض عهد است. ضمانت اجرای احتمالی نقض عهد بستگی مستقیم به قدرت سیاسی کشورها در روابط بین‌الملل دارد، ولی ایجاد اجماع بین‌المللی، قطعنامه‌های تحریمی اقتصادی، علمی و سیاسی، تهدید به استفاده از زور، منزوی شدن بین‌المللی کشور و احتمال استفاده مشروع بین‌المللی از زور در قالب فصل هفتم سازمان ملل از جمله ضمانت‌اجراهای احتمالی حقوق بین‌المللی نقض تعهدات بین‌المللی خواهد بود. این ضمانت‌اجراها تا کنون درباره کشورهای قدرتمند بسیار ضعیف بوده و تنها در قبال برخی کشورهای ضعیف آن هم بر اساس ملاحظات سیاست بین‌الملل اعمال شده است.

بررسی تعهدات بین‌المللی دولت یازدهم

بر اساس چارچوب حقوقی ذکر شده، تعهدات بین‌المللی ایران در هر شکل ممکن جزء موافقت‌نامه‌های اجرایی ساده و موافقت‌نامه‌های اجرایی فنی میان وزارتخانه و اشخاص خارجی حقوق بین‌الملل سایر اشکال تعهدات بین‌المللی دولت نیاز به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان دارد. بر این اساس می‌توان دو نوع پذیرش تعهد برای دولت یازدهم در نظر گرفت: اول آن دسته از تعهدات که دولت یازدهم از طریق مجلس اقدام به پذیرش آن‌ها نموده است که بر اساس پایگاه اطلاع‌رسانی دولت به این شرح هستند:

■ لایحه «موافقت‌نامه پاریس»

- لایحه الحاق ایران به کنوانسیون بین‌المللی حمایت از ارقام جدید گیاهی
- لایحه «تصویب مقررات بین‌المللی جلوگیری از تصادم در دریا»
- لایحه مربوط به مقررات بین‌المللی ایمنی جان اشخاص در دریا
- لایحه مربوط به کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا
- لایحه الحاق ایران به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد به‌کارگیری کودکان در منازعه مسلحانه
- لایحه الحاق ایران به کنوانسیون تمپره در مورد ارائه منابع مخابراتی برای کاهش بلا و عملیات امدادی
- لایحه تصویب احکام و مصوبات بیست‌وپنجمین کنگره اتحادیه جهانی پست
- لایحه الحاق ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی
- لایحه تصویب کنوانسیون میناماتا در مورد جیوه
- لایحه «تصویب اصلاحات اساسنامه، کنوانسیون و آیین‌نامه کلی اتحادیه بین‌المللی مخابرات به مجلس»
- مشارکت دولت با صندوق بین‌المللی پول برای کاهش فقر و ارتقای رشد (PRGT)
- لایحه تصویب اصلاحیه کنوانسیون بازل درباره کنترل انتقالات مرزی مواد زائد زیان‌بخش و دفع آن‌ها
- لایحه اصلاح قانون الحاق ایران به کنوانسیون لغو ضرورت تصدیق رسمی اسناد دولتی بیگانه لایحه مربوط به کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا
- دوم آن دسته از تعهداتی که دولت یازدهم بدون رجوع به مجلس، ولی در قالب توافق‌نامه‌های بین‌المللی به‌دنبال رسیدن به آن است که مهم‌ترین آن‌ها قرارداد

F.A.T.A است که نیازمند تدقیق در تعهداتی است که این قرارداد بر آن بار می‌کند. در ادامه، ضمن بررسی تعهداتی که به تصویب مجلس رسیده است، به تعهداتی می‌پردازیم که از دید دولت نیاز به تصویب مجلس ندارد، ولی از طرف منتقدان یک قرارداد بین‌المللی است که باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

لایحه «موافقتنامه پاریس»^۱

موافقت‌نامه پاریس در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ در بیست و یکمین اجلاس متعاهدین کنوانسیون تغییر آب‌وهوای سازمان ملل متحد در رابطه با تصویب این موافقت‌نامه منعقد شد و در آن، از کلیه کشورها خواسته شده با طراحی و پیگیری سیاست‌ها و برنامه‌های بلندپروازانه تا ۲۰۳۰، به‌ویژه برنامه‌های مناسب در زمینه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در بخش‌های مختلف اقتصادی و در راستای کاهش پیامدهای ناگوار تغییرات آب‌وهوا بر وضعیت محیط زیست، امنیت غذایی، سلامت و توسعه پایدار، اقدامات خود را اجرایی نمایند. در این رابطه، این موافقت‌نامه که احتمال اجرایی شدن آن نیز در سال آینده می‌رود، اقدام به ایجاد نظام بین‌المللی کرده است که کشورهای دنیا از طریق پذیرش یکسری تعهدات و دریافت برخی مشوق‌ها به برنامه موافقت‌نامه برای کاهش گازهای گلخانه‌ای بپیوندند که در ادامه به معرفی تعهداتی که کشور ایران باید بپذیرد، بر اساس متن توافق رسیدگی می‌شود.

پذیرش سقف تولید کربن دی‌اکسید که در دبیرخانه سازمان ملل ثبت می‌شود و هر پنج سال مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. براساس بند ۴ ماده ۴ این توافقنامه کشورهای صنعتی رهبری جریان کاهش گازهای گلخانه‌ای در این توافقنامه را بر عهده خواهند داشت و کشورهای در حال توسعه را نیز به این هدف تشویق خواهند کرد. این محدودیت‌ها در بندهای ۹ و ۱۰ و ۱۱ ماده ۴ این توافقنامه ذکر شده که کاملاً امری فنی و پیچیده است.

اعمال نظارت بر کشورها با سازوکاری که توافقنامه به وجود می‌آورد و در ماده ۶ این توافقنامه به تفصیل بیان شده است. دلایل نظارت در راستای اهداف تعیین شده از سوی سازوکاری است که این توافقنامه ایجاد خواهد کرد و هدفش کمک به کاهش گازهای گلخانه‌ای و تشویق اعضا است.

بند ۱۰ ماده ۷ این توافقنامه کشورها را ملزم می‌کند که در «چارچوب اقدام کانکون» همکاری و فعالیت کنند. در این زمینه کشورها ملزم شده‌اند که در صورت نیاز، برنامه‌ها و اقدامات خود برای انطباق با معیارهای موافقت‌نامه مذکور را ارائه و به‌روزرسانی کنند.

ماده ۱۳ این توافق‌نامه کشورها را ملزم می‌کند که به‌منظور ایجاد شفافیت^۱ در روند کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تمامی اطلاعات مربوط به عناصری که به انتشار

گازهای گلخانه‌ای، تأثیرات گازهای گلخانه‌ای، تشویق‌های داده شده و حمایت‌های تکنولوژیک داده شده یا پذیرفته شده را از کشورهای عضو می‌خواهد.

حل اختلاف در چارچوب این معاهده بر اساس گزارش‌های سالیانه و آنچه این توافقنامه از آن به‌عنوان فراهم‌آیی جامع جهانی ذکر می‌کند و در ماده ۱۴ این توافقنامه ذکر شده خواهد بود.

تحلیل و جمع‌بندی

در بندها و ماده‌های این توافقنامه در مجموع می‌توان تعهدات ذکر شده در بالا را مشاهده کرد که در مجموع در صورت پیوستن ایران به این توافقنامه در مورد ایران اجرا خواهد شد.

اولین مسأله این است که مشخص نشده آلودگی موجود در سطح جهانی مربوط به هر کشور مربوط به همان کشور است یا منشأ آلودگی در کشور دیگری بوده و به کشورهای دیگر منتقل شده است.^۱ در این زمینه این فرض در ذهن خطور می‌کند که کشورهای توسعه‌یافته از این توافق بین‌المللی به‌دنبال انداختن سهمیه تولید دی‌اکسید کربن خود به‌گردن سایر کشورهای در حال توسعه هستند که ایران نیز از جمله این کشورها است.

۱ - بنجامین هولاک، قوانین برای انتشار گازهای گلخانه‌ای کشتی‌ها و هواپیماها که در توافق پاریس از قلم افتاد، Climate Wire، ۱۴ دسامبر ۲۰۱۵: <http://www.eenews.net>

دومین نکته‌ای که درباره این توافقنامه ذکر می‌شود، پذیرش سقف دی‌اکسید کربن^۱ برای کشورها است که با توجه به ماهیت صنعت ایران که هنوز در راه توسعه است، بنابراین از سطح تکنولوژیک پایین تری برخوردار است با در نظر داشتن اینکه ایران به‌عنوان یک کشور در حال توسعه نیازمند گذار از دوره صنایع آلوده‌کننده به صنایع با تکنولوژی بالاتر و بهره‌ورتر است. به‌نظر می‌رسد این تکلیف، فرآیند توسعه‌ای ایران را با مشکل مواجه کند. همچنانکه برخی از کارشناسان این حوزه معتقدند پذیرش این توافقنامه سبب اخلاف در برنامه‌های توسعه هفتم و هشتم خواهد شد.

ایران به‌عنوان یک کشور نفتی^۲ صناعی را باید در دستور کار توسعه اقتصادی خود قرار دهد که میزان آلوده‌کنندگی آن‌ها ممکن است از سقف تعیین‌شده در این توافقنامه فراتر رود؛ از این‌رو پذیرش سقف و دادن تعهد بین‌المللی در مورد کاهش آن ممکن است در نوع توسعه صنعتی ایران ایجاد اخلاف کند. البته این موضوع از حوزه تخصص نگارنده خارج است ولی تولید فعلی دی‌اکسید کربن در ایران بار ۱,۹٪ جمعیت جهانی معادل ۱,۶٪ تولید جهان است که در صورت برنامه برای فعال شدن صنایع نفتی، این رقم قطعاً افزایش خواهد یافت.

۱ - تنها کاهش گازهای گلخانه‌ای و دی‌اکسید کربن مورد بحث توافقنامه بوده که با آلاینده‌های محیط زیست از جمله منوکسید کربن، اکسیدهای نیتروژن و گوگرد و ذرات معلق در هوا کاملاً متفاوت هستند، اما متأسفانه مشاهده شده است برخی از نمایندگان مجلس بدون اطلاع از این موضوع، شعار مقابله با آلودگی هوا را علت اصلی حمایت از این توافقنامه عنوان کرده‌اند.

۲ - معصومه ابتکار بیان کرد: از آن‌جا که صادرات نفت و گاز را داریم، به لحاظ تولید و انتشار گازهای گلخانه‌ای در رتبه‌های بالا قرار داریم : <https://www.tasnimnews.com>

در این توافقنامه ایران در صورت عضویت این تعهد را می‌دهد که طیفی وسیع از اطلاعات را در اختیار مجمع عمومی این توافقنامه قرار دهد که وضعیت توسعه‌ای ایران، تغییرات طبیعی، منابع معدنی و بسیاری از موارد دیگر را با عنوان شفافیت بین‌المللی در اختیار کشورهای دیگر قرار دهد. این در اختیار قرار دادن اطلاعات برای کشورهای در حال توسعه صنعتی که در متن قرارداد صریحاً بیان کردند که رهبری کشورهای توسعه‌یافته را می‌پذیرند، می‌تواند خطرناک باشد.

در حال حاضر آمریکا با ۴,۴٪ جهانی حدود ۱۶٪ دی‌اکسیدکربن جهانی را تولید می‌کند، اما به دلیل جایگاه قدرت جهانی این کشور، روند کاهش این میزان دی‌اکسیدکربن برای آمریکا با روند کاهش آن برای ایران متفاوت خواهد بود؛ به این صورت که در متن توافق مقرر شده است که این کشور به‌عنوان یک کشور توسعه‌یافته باید به سایر اعضا کمک‌های داوطلبانه مالی و تکنولوژیک بدهد. در واقع کشوری که متولی کاهش در سایر کشورها است، خود بزرگترین نقض‌کننده هدف این توافقنامه است که به دلیل جایگاه قدرتش در مقام رهبر قرار گرفته است.^۱ در این زمینه ترامپ^۲ اعلام کرد: «اگر در انتخابات آمریکا پیروز شوم، توافق آب‌وهوایی پاریس

۱ - مجتبی امامی، مشکلات جدی اقتصادی توافقنامه پاریس / تبعات این توافقنامه سنگین‌تر از برجام است:

<http://www.farsnews.com>

۲ - ترامپ مدعی شده است بحث تغییرات آب‌وهوایی و ارتباط آن با فعالیت‌های صنعتی توپنه‌ای از سوی چین است تا بتواند با آن مهارتی بر صنایع گسترده ایالات متحده بزند و یا در تجارت زغالسنگ دست بالا را برای خود نگاه‌دارد. او گفت: اولویت اصلی‌اش منافع آمریکا و آمریکاییان و افزایش اشتغال است، از جمله در گسترش صنایع مرتبط با زغال سنگ:

<http://www.nytimes.com>

را لغو می‌کنم. این توافقنامه برای رئیس‌جمهور آمریکا زیان‌آور است و به مأموران خارجی اجازه می‌دهد سطح مصرف انرژی ما را کنترل کنند»^۱.

در مجموع هشدارهای ذکر شده به این مفهوم نیست که پیوستن ایران به این تعهد جهانی کاملاً به زیان ایران است، بلکه به این معنا است که در صورت اراده برای پیوستن، این تعهد جهانی با حق شرط‌های مفید و معنی‌داری که آینده توسعه صنعتی کشور، امنیت اطلاعات داخلی کشور و استقلال کشور در حوزه استفاده از منابع را به خطر نیندازد، همراه شود.

اشتباه دولت: برای مثال با توجه به بندهای ۲ و ۳ و ۴ موافقت‌نامه پاریس، هر یک از کشورها باید برنامه اقدام ملی خود را آماده، اعلام و حفظ نماید. باید اشاره کرد که هرچند تعیین برنامه اقدام ملی در نظام داخلی در چارچوب صلاحیت دولت است، اما با توجه به این موضوع که این برنامه پس از تصویب موافقت‌نامه پاریس به تعهدی بین‌المللی مبدل خواهد شد، باید برای تصمیم‌گیری تقدیم مجلس گردد. در واقع هرچند مطابق با موافقت‌نامه پاریس این خود دولت‌ها هستند که با ارزیابی امکانات خود در قالب یک برنامه اقدام برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای هدفگذاری می‌کنند، اما با توجه به بندهای مورد اشاره، باید گفت که الفاظ این بندها نشان‌گر آن است که کشورها باید این برنامه را حفظ نمایند؛ لذا به یک تعهد سخت بین‌المللی که کشورها در موافقت‌نامه آن را پذیرفته‌اند، بدل خواهد شد. با توجه به اینکه

برنامه مشارکت ملی برای روشن ساختن ابعاد تعهد ایران در موافقت‌نامه پاریس نقش اساسی دارد، مناسب است به این برنامه در گزارش اشاره شود. این برنامه در قالب تصویب نامه هیأت وزیران در ۱۳۹۴ به تصویب رسیده است و طی آن کاهش بلاشروط ۴ درصدی و ۸ درصد بیشتر از آن در صورت تحقق برخی از شروط مورد اشاره قرار گرفته است.^۱ در حال حاضر شورای نگهبان این لایحه را رد کرده است.

کنوانسیون بین‌المللی حمایت از ارقام جدید گیاهی^۲

هدف از کنوانسیون حمایت از ارقام جدید گیاهی شکل دادن به سیستمی شبیه به حفظ حقوق مالکیت فکری آثار ادبی و فرهنگی است تا از این طریق به اصلاح نژاد ارقام گیاهی، جلوگیری از تکثیر غیرقانونی ارقام، ایجاد اطمینان از حفظ منافع مادی و فکری به‌نژادگران، تولید ارقام جدید داخلی، توسعه صادرات، دسترسی به ارقام جدید خارجی و تشویق سرمایه‌گذاری‌های مشترک حمایت کند. در این رابطه پیوستن به این کنوانسیون یکی از شرایط لازم برای پیوستن به سازمان WTO است. این کنوانسیون همانند همه اسناد حقوق بین‌الملل برای اعضای خود تعهداتی مشخص می‌کند که در ادامه به محورهای اصلی آن پرداخته خواهد شد.

۱ - مراجعه شود به اظهارنظر کارشناسی درباره لایحه موافقت‌نامه پاریس در مرکز پژوهش‌های مجلس، دوره دهم، سال اول، شماره ثبت: ۱۸۰، شماره چاپ: ۲۲۸، تاریخ چاپ: ۱۳۹۵/۰۶/۱۷، معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی دفاتر: مطالعات زیربنایی مطالعات حقوقی مشخصات گزارش شماره مسلسل: ۲۵۰۱۵۰۷۲، تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۰۷/۲۶.

2 - International Union for the Protection of New Varieties of Plants (UPOV)

هر کشور متعهد می‌شود که در نظام ملی خود تلاش کند تا از ارقام جدید گیاهی بر اساس مقررات کنوانسیون مذکور حمایت کند. اصلی‌ترین تعهد کشورها عبارت است از حمایت و اعطای حقوق به‌نژادگر.^۱

هریک از کشورها باید به شرط معامله متقابل، اتباع کشورهای دیگر را از همان امتیازاتی که به به‌نژادگران کشور خود اعطا می‌کنند بهره‌مند سازند.

تعهد به حفظ حقوق کسی که درباره اعمال مقابل اصلاح نژادی انجام داده است: تولید یا بازتولید، آماده‌سازی برای تولید، عرضه برای فروش، فروش یا بازاریابی، صادرات، واردات، ذخیره محصول.

در صورتی که حق به‌نژادگر از بین برود، یا دولت آن را تضييع کند، به‌نژادگر مستلزم اجرت‌المثل منصفانه خواهد بود.

تحلیل و جمع‌بندی

کنوانسیون حمایت از ارقام گیاهی برای دولت بیشتر به خط‌مشی‌ای که در پیوستن کشور به WTO دارد، مورد توجه بوده است تا حمایت از ارقام گیاهی طی یک نظام مالکیت فکری برای محصولات گیاهی. با این وجود پیامدهایی دارد که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۱ - کسی که اصلاح نژادی انجام داده است.

در شرایط کنونی ایران زیرساخت‌های لازم برای پیوستن به این کنوانسیون بین‌المللی را ندارد و در شرایط این نقصان این خطر وجود دارد که ایران برای اعمال مقررات این کنوانسیون زیرساخت‌های لازم حقوقی را نداشته باشد^۱ که عبارتند از: ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال، اصلاح قانون داخلی و همسان‌سازی تعاریف با کنوانسیون بین‌المللی و رفع تناقض قوانین داخلی با مفاد کنوانسیون الزامی می‌شود، تغییر مدت‌زمان حمایت از حداکثر ۱۸ سال به حداقل ۲۵ سال برای تاک‌ها و درختان و ۲۰ سال برای سایر گیاهان، افزودن مبحث مجوزهای اجباری به قانون و رفع دغدغه‌های مربوط به محدود شدن استفاده از ارقام جدید در تحقیقات و بذر خودمصرفی کشاورزان خرده‌پا.^۲

در صورت نبود نظامی برای ایجاد نوآوری در گونه‌های جدید زیستی، نظارت دقیق بر محصولات وارداتی زیستی و خصوصی‌سازی دستاوردهای زیستی، پیوستن به این کنوانسیون از این جهت که در داخل کشور اصولاً حقی برای حفاظت وجود ندارد تنها

۱ - حمایت از مالکیت فکری ارقام گیاهی در قانون مصوب بذر و نهال ۱۳۸۲ و حمایت از مالکیت فکری منابع ژنتیکی دام اصلاح شده مصوب قانون نظام جامع دامپروری در قانون مصوب سال ۱۳۸۸ جزء نظام‌های حمایتی خاص در حوزه مالکیت فکری کشور محسوب می‌شوند. آیین‌نامه اجرایی قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال ۱۳۸۶ به استناد ماده ۱۴ قانون مذکور و مصوب شده هیأت وزیران. آیین‌نامه ثبت ارقام گیاهی ۱۳۸۸، با استناد به تبصره ۲ ماده ۳ قانون مذکور و مصوب شده هیأت امنای سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی آیین‌نامه معرفی ارقام گیاهی (آخرین نسخه تصحیح شده در سال ۱۳۹۳). قانون مذکور و مصوب شده هیأت امنای سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. آیین‌نامه ثبت ذخایر ژنتیکی گیاهی و ارقام بومی و محلی کشور ۱۳۸۸ (ده استناد به تبصره ۱ ماده) قانون مذکور و مصوب شده هیأت امنای سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.

۲ - مشخصات لایحه: دوره دهم سال اول شماره ثبت: ۱۶۱، شماره چاپ: ۱۸۰، تاریخ چاپ: ۱۳۹۵/۰۵/۱۶. معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی دفاتر: مطالعات ارتباطات و فناوری‌های نوین مطالعات زیربنایی مطالعات حقوقی. مشخصات گزارش شماره مسلسل: ۲۸۰۱۵۰۲۸، تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۰۷/۰۴.

ایران را متعهد می‌کند که از حقوق نوآوران محصولات خارجی حمایت کند. از این رو، ایران را متعهد به پرداخت حق نوآوری یا خسارت احتمالی آن به تولیدکنندگان خارجی می‌کند. به نظر می‌رسد ایران تا زمانی که نوآوری قابل توجهی در عرضه به بازارهای جهانی نداشته باشد، بهتر است محتاطانه با این قبیل کنوانسیون‌ها برخورد کند.

- تصویب مقررات بین‌المللی جلوگیری از تصادم در دریا
- مقررات بین‌المللی ایمنی جان اشخاص در دریا
- کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا

سه معاهده بین‌المللی ذکر شده، در بردارنده مسائل فنی و استانداردهای لازم برای جلوگیری از تصادف، آلودگی دریاها و نجات جان افراد در دریاها هستند که به‌طور جدی با حاکمیت جمهوری اسلامی ایران تداخل ندارند، اما از این جهت که استانداردهای کشتیرانی و نجات جان افراد در دریا را تنظیم می‌کنند، در صورت پیوستن به آنها برای ایران این الزام به وجود می‌آید که استانداردهای مزبور را رعایت کند؛ از طرف دیگر، اگر ایران به آنها نپیوندد نیز این مقررات اعتبار خود را خواهند داشت و توان کشتیرانی ایران برای ورود به آب‌های بین‌المللی محدود خواهد شد. بر این اساس این سه مصوبه هم محدودیت است و هم راهی برای ارتقای توان کشتیرانی که ایران راهی جزء پیوستن به آنها ندارد.

پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد به‌کارگیری کودکان در منازعه مسلحانه

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور حامی حقوق کودک، جزء اولین کشورهای بوده است که کنوانسیون حقوق کودک، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۸۹۸ را امضا کرد و اندکی بعد در ۱۳۷۲ آن را با لحاظ، یعنی عدم مغایرت با قوانین دینی و قوانین موجود کشور، با حق شرط به تصویب مجلس شورای اسلامی رساند. همچنین از میان پروتکل‌های الحاقی که بعدها به این کنوانسیون افزوده شد، ایران به پروتکل اختیاری درباره فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان پیوست و در ۱۳۸۶ نیز آن را به تصویب مجلس شورای اسلامی رسانید.^۱ تعهداتی که این پروتکل بر ایران علاوه بر کنوانسیون حقوق کودک اضافه می‌کند، عبارتند از:

گسترش آستانه ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک و تعریف سن ۱۸ سالگی به‌عنوان سنی که زیر آن نباید سربازگیری مستقیم^۲ انجام شود.^۳ بنابراین در این تعهد هرگونه سربازگیری مستقیم در سن زیر ۱۸ سالگی در پروتکل الحاقی ممنوع است اما سربازگیری داوطلبانه و با اعلام رضایت والدین یا قیم آن‌ها ممنوعیتی ندارد. در پروتکل مذکور

۱ - این مطلب در گزارش سازمان بسیج دانشجویی درباره این پروتکل در دسترس است و به قلم جعفرزاده، احمدرضایی، سمیرا قاسمی با عنوان «تحلیل تصویب پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق کودک در مورد به‌کارگیری کودکان در منازعه مسلحانه» چاپ و در پژوهشکده قوانین و مقررات ثبت شده است.

2 - compulsorily recruited

۳ - کنوانسیون حقوق کودک تصریح می‌کند که اشخاص زیر ۱۵ سال به‌صورت مستقیم در مخصصات شرکت نمایند. همچنین اضافه می‌کند که کشورها نباید به سربازگیری از اشخاص زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح خود مبادرت نمایند. این کنوانسیون تصریح دارد که درباره اشخاص بین ۱۵ تا ۱۸ سال اولویت را باید به بزرگترها داد.

سربازگیری از افراد زیر ۱۵ سال در هیچ حالتی درست نخواهد بود.

گسترش بازیگرانی که سربازگیری انجام می‌دهند از دولت‌ها به گروه‌های مسلح که در برگیرنده گروه‌های مسلح غیررسمی هستند. در ماده ۴ این کنوانسیون مشارکت مستقیم و فعال افراد زیر ۱۸ سال را توسط تمام گروه‌های مسلح ممنوع می‌کند.

تحلیل و جمع‌بندی

ارزش نهادن و عدم سوءاستفاده از کودکان تعهدی است که نظام اسلامی و کشور ایران همواره براساس جهت‌گیری ایدئولوژیک و سیاسی خود داعیه‌دار داشتن آن است. بنابراین تعهد دادن به امری که داعیه‌دار آن است، مسأله‌ای تهدیدبرانگیز نیست، اما در پروتکل الحاقی حقوق کودک مسائلی وجود دارد که به‌درستی در سطح کارشناسی داخلی نیز شناسایی شده است؛ اول اینکه این پروتکل اختیاری است و هیچ الزام بین‌المللی برای پذیرش آن از طرف ایران وجود ندارد. حتی برخلاف بسیاری دیگر از معاهدات، این پروتکل زمینه‌ساز امر دیگری نیست تا ایران به پذیرش آن تحریک بشود.

نظام نیروهای مسلح ایران به‌صورت عمده بر استفاده از نیروهای شبه نظامی در نبردهای نامتقارن استوار است. بنابراین این کشور همواره دارای نیروهایی است که ترکیب آن ممکن است دارای افراد زیر ۱۸ سال^۱ باشد که بسیج‌نماد بارز آن است. علاوه بر این بر اساس قانون داخلی ایران نیز بسیج یک نیروی مسلح در ایران به‌شمار می‌آید که

۱- بسیاری از آموزش‌های عقیدتی و دفاعی بسیج از سنین زیر ۱۸ سال شروع می‌شود.

در صورتی که جرمی در حال مأموریت انجام دهد، موضوع دادگاه نظامی خواهد بود.^۱ بر اساس بند ۱ ماده ۴ پروتکل «تمام گروه‌های مسلح» جدا از نیروهای مسلح کشور باید از استفاده یا استخدام اشخاص زیر ۱۸ سال در جنگ‌ها فارغ از مشارکت مستقیم یا مشارکت فعال خودداری کنند.^۲

از طرف دیگر، سومین اشکالی که از سوی منتقدان به این پروتکل وارد می‌شود، مغایرت آن با شریعت اسلام است، چرا که بر اساس شرع، سن بلوغ در ایران ۱۵ سال برای پسر و ۹ سال برای دختر طبقه‌بندی شده است. این پروتکل به‌عنوان یک قانون خارجی در صورت پذیرش، سن بلوغ در ایران را برخلاف شرع اسلام به ۱۸ سال افزایش خواهد داد.^۳

۱ - دادگاه‌های نظامی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی کلیه افراد زیر، رسیدگی می‌کنند:

الف- کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته.

ب- کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته.

ج- کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

د- کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته.

ه- کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

و- کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن.

ز- محصلان موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

ح- کسانی که به‌طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب می‌شوند.

۲ - گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس: مشخصات لایحه دوره دهم، سال اول، شماره ثبت: ۱۳۰، شماره چاپ: ۱۴۵، تاریخ چاپ: ۱۳۹۵/۰۵/۱۰، معاونت پژوهش‌های سیاسی حقوقی مطالعات حقوقی، مشخصات گزارش، شماره مسلسل: ۲۴۰۱۴۹۴۹، تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۰۵/۲۴.

۳ - سید فضل‌الله موسوی در: <http://www.dana.ir>

کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی^۱

کنوانسیون ملل متحد درباره جرائم سازمان یافته فراملی (پالرمو) در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ در پنجاه و پنجمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک توسط ۱۴۹ کشور پذیرفته و تقریباً سه سال بعد در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۳ بر اساس ماده (۳۸) آن لازم الاجرا شد و هم‌اکنون ۱۷۹ کشور طرف متعهد این کنوانسیون تلقی می‌شوند. تاکنون ۵۰ کشور مبادرت به صدور بیانیه و اعلام حق شرط حین امضا، تصویب، پذیرش یا الحاق به کنوانسیون کرده‌اند و ۸۲ کشور نیز اعلامیه‌های مرتبط با برخی مواد این کنوانسیون را صادر و نزد سازمان ملل متحد ثبت کرده‌اند. این کنوانسیون برای اعضا سلسله‌ای از تعهدات ایجاد می‌کند که محورهای اصلی آن به شرح زیر خواهد بود:

دولت‌های عضو تعهد می‌کنند سازمان نظارتی ایجاد و از طریق آن کلیه دستگاه‌های داخلی را رصد کنند و یک نظام جمع‌آوری اطلاعات (واحد اطلاعات مالی) ایجاد نمایند. در این جمع‌آوری از دولت خواسته می‌شود تا از سازمان‌های منطقه‌ای، بین منطقه‌ای و جهانی الگو بگیرد. هر دولت باید ماهیت شدید این جرائم را در نظر بگیرد و درباره آزادی مشروط یا آزادی پیش از موعد لحاظ کند. بر اساس ماده ۱۹ این کنوانسیون هر دولت باید اقدام به شکل دادن به هیأت‌هایی که کشورهای عضو یک پیمان بتوانند از آن طریق تحقیق خود را در کشورهای دیگر انجام بدهند.

بر اساس ماده ۲۲ کشورها باید امکان احاله دادرسی کیفری کشورهای عضو، امکان احاله دادرسی برای رسیدگی به جرائم موضوع این کنوانسیون به یکدیگر را در مواردی که این احاله برای اجرای صحیح عدالت مفید ارزیابی شود، به‌ویژه در مواردی که کشورهای مختلف در پرونده دخیل هستند، با هدف متمرکز ساختن رسیدگی، مدنظر قرار خواهند داد.

بر اساس ماده ۲۳ تمامی کشورهای عضو، تدابیر تقنینی و سایر تدابیر لازم را اتخاذ خواهند نمود تا اقدامات زیر، چنانچه عامدانه صورت گیرند، عمل مجرمانه تلقی شوند: الف) استفاده از زور، تهدید یا ارباب یا وعده، پیشنهاد یا اعطای امتیاز نابه‌جا به منظور وادار کردن به ادای شهادت دروغ یا دخالت در ادای شهادت یا تسلیم شواهد و مدارک در جریان دادرسی مربوط به جرائم موضوع این کنوانسیون؛ ب) استفاده از زور، تهدید یا ارباب برای دخالت در انجام وظایف رسمی یک قاضی یا مأمور مجری قانون در رابطه با ارتکاب جرائم موضوع این کنوانسیون.

بر اساس ماده ۳۵ ترتیبات رسیدگی به اختلاف در کنوانسیون به مذاکره، داوری و طرح دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری است.

بر اساس ماده ۲۸ کنوانسیون کشورهای عضو، توسعه و به شراکت گذاردن دانش کارشناسی در زمینه فعالیت‌های مجرمانه سازمان‌یافته را با یکدیگر و از طریق سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مدنظر قرار خواهند داد. بدین منظور، لازم است تعریف‌ها، استانداردها و روش‌های مشترک وضع و برحسب اقتضا اعمال شوند.

بر اساس ماده ۲۵ کنوانسیون تمامی کشورهای عضو در حدود امکانات خود، برای کمک به قربانیان جرائم موضوع این کنوانسیون و حمایت از آنان، به‌ویژه در مواردی که خطر انتقام‌جویی یا ارباب‌آنان وجود دارد، تدابیر مناسب اتخاذ خواهند کرد. تمامی کشورهای عضو، برای فراهم آوردن امکان دستیابی به جبران خسارت قربانیان جرائم موضوع این کنوانسیون و اعاده وضعیت سابق آنان تشریفات مناسب مقرر خواهند کرد. تمامی کشورهای عضو، با رعایت قوانین داخلی خود، امکان طرح و بررسی نظرات و نگرانی‌های قربانیان را در مراحل مناسب دادرسی کیفری علیه مجرمان فراهم خواهند کرد، به‌گونه‌ای که به حق دفاع آنان خدشه وارد نشود.

تحلیل و جمع‌بندی

در بررسی این کنوانسیون باید ابتدا این مسأله را مد نظر قرار داد که کنوانسیون مذکور در تلاش است تا با حق حاکمیت دولت‌ها در تناقض قرار نگیرد. بنابراین همواره نظام ملی را در تعریف تعهدات قراردادی خود لحاظ می‌کند، اما روح کنوانسیون در تعریف دو واژه کلیدی «جرائم سازمان‌یافته»^۱ و «جرائم جدی»^۲ به‌نوعی تحمیل این مفاهیم بین‌المللی را در درون خود دارد؛ به‌عبارت دقیق‌تر، اگر فقط این دو تعریف را محور کنوانسیون مذکور بدانیم، این کنوانسیون در تعریف این دو واژه به نظام حقوق ایران تحمیل می‌شود؛ از طرف دیگر، کنوانسیون در راهکارهای تعریف این دو مفهوم

1 - Organized Crime

2 - Serious Crime

کلیدی نیز خاموش است و لیستی از چگونگی تعاریف حقوقی این جرائم و چگونگی اجرای آن ارائه نمی‌کند.^۱ به نظر می‌رسد این ضعف هم می‌تواند در شرایطی که نظام بین‌الملل برخلاف منافع ایران عمل کند، عرصه را برای تعاریف گسترده از این تعاریف و تحت فشار قرار دادن این کشور باز کند.

جرمانگاری تجویزی بخش دیگری از این سند بین‌المللی است که می‌تواند استقلال نظام قضایی ایران را تحت تأثیر قرار بدهد. در کنوانسیون مذکور در جرم‌انگاری اجباری وجود دارد که در بخش تعهدات کشورهای عضو ذکر شده است. از یک نقطه نظر این دو عامل در آیین دادرسی کیفری ایران نیز جرم به شمار می‌روند؛ بنابراین جای نگرانی وجود ندارد، ولی از نگاه دیگر تحلیل و تفسیری که از دامنه اجرایی شدن جرم‌انگاری ذکر شده به دست می‌آید، می‌تواند در آینده ایران را متعهد به نتایج پذیرش این جرم‌انگاری اجباری کند؛ به عبارت دقیق‌تر، وقتی یک کنوانسیون بین‌المللی تعریف کند که ارباب قاضی یا مسئولان رسیدگی به جرم‌های موضوع این کنوانسیون جرم محسوب می‌شود و ایران آن را بپذیرد، تعریف عملی که ارباب یا تهدید قاضی محسوب شود نیز با کنوانسیون است که خودبه‌خود الزاماتی را برای ایران به همراه می‌آورد.

همسو کردن قوانین و مقررات داخلی با توصیه‌های کنوانسیون از دیگر تعهداتی است که جمهوری اسلامی ایران در صورت پیوستن به این کنوانسیون باید مدنظر قرار

1 - Pierre Hauck, Sven Peterke, International Law and Transnational Organized Crime, Oxford University Press, 2016, p 149

دهد؛ به عبارت دقیق‌تر، این کنوانسیون یک نظام آیین دادرسی را برای محدود کردن جرائم سازمان‌یافته به کشورهای عضو توصیه می‌کند که می‌تواند زمینه‌ساز نفوذ به سیستم قضایی ایران در مورد جرائمی باشد که حتی به صورت صریح تعریف یا لیست نشده‌اند؛ از طرف دیگر، به فرض پذیرش این تعهدات قراردادی ایران ملزم می‌شود که در این خصوص قانون به تصویب برساند، در حالی که قانون آیین دادرسی کیفری ایران در حال حاضر هنوز موقت اجرا می‌شود و دوره آزمایشی را پشت سر می‌گذارد. در واقع هنوز خود کشور ایران قانون آیین دادرسی ندارد، در حالی که بر اساس تعهد ذکر شده ملزم است برای این کنوانسیون آیین جدید تصویب کند که زیرساخت‌های حقوقی پذیرش این کنوانسیون را به شدت با تردید مواجه می‌کند.

بر اساس این کنوانسیون دولت‌ها موظف به ایجاد یک واحد اطلاعات مالی می‌شوند که تمام اطلاعات مالی دستگاه‌های کشور را باید جمع‌آوری کند و توصیه^۱ نیز شده است تا این اطلاعات به منظور همکاری‌های بیشتر تبادل شوند. در داخل کشور ایران اولاً، جمع‌آوری اطلاعات مالی همه واحدهای داخلی ممکن نیست؛ چراکه بسیاری از واحدهای داخلی به دلیل ملاحظات امنیتی^۲ نمی‌توانند اطلاعات خود را در اختیار این واحد مرکزی قرار دهند و از طرف دیگر، نفس جمع‌آوری همه اطلاعات در یک مرکز احتمال جاسوسی و نقض‌های امنیتی را افزایش می‌دهد.

۱ - اجبار نشده، بلکه توصیه شده است.

۲ - برای مثال، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی سپاه پاسداران حتی از ناظران وزارت اطلاعات ایران نیز پوشانده شده است.

از طرف دیگر، کنوانسیون در خصوص برخورد با مجرمان، استانداردهایی وضع کرده است که می‌تواند علیه جمهوری اسلامی ایران ابزارهایی را در اختیار اعضای اصلی این کنوانسیون قرار بدهد؛ برای مثال، منع آزادی مشروط به مرتکبان جرائم کنوانسیون یا داشتن حق دادرسی عادلانه^۱ و حق دفاع. یکی از هجده‌هایی که همواره جمهوری اسلامی با آن مواجه بوده است، به حوزه قضایی در زمینه نقض حق دادرسی عادلانه که از نخستین ارکان حقوق بشر است، برمی‌گردد. این کنوانسیون در این زمینه مقرراتی وضع کرده است که در صورت نقض از سوی ایران یا حتی در سایر شرایط با ارائه تصویری از نقض بتواند حداقل در سطح بین‌المللی وجهه ایران را تخریب کند.

درباره خصوصیت فراملی نیز کشورها متعهد می‌شوند تا از طریق احاله یا هیأت‌های بین‌کشوری یا در اختیار قرار دادن دانش کارشناسی در شناسایی این جرائم با یکدیگر

۱ - اصول دادرسی عادلانه عموماً عبارتند از: اصل برائت، اصل دادرسی توسط مقامی بی‌طرف، اصل علنی بودن دادرسی، اصل بهره‌مندی از وکیل، اصل تفهیم اتهام به متهم، اصل محق بودن متهم به سکوت، اصل منع شکنجه. به موجب ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همه افراد در برابر دادگاه‌ها مساوی هستند و همه انسان‌ها استحقاق برخورداری از دادرسی مستقل و عادلانه و بی‌طرف را دارند. بر اساس مواد ۸۶ و ۹۹ کنوانسیون سوم ژنو، ناظر بر اسرای جنگی، آیین دادرسی قضایی باید منظم باشد؛ یعنی حداقل تضمینات ذیل را داشته باشد: متهم باید بدون تأخیر از ویژگی‌های جرمی که متهم به ارتکاب آن است، آگاه شود. عمل باید در زمانی که انجام شده جرم بوده باشد. اصل برائت باید لحاظ شود. هیچ فشاری نباید به اسیر جنگی برای اقرار وارد بشود. بر مبنای ماده ۱۰۵ کنوانسیون سوم، حق دفاع، شناخته و تضمین شده است و در نتیجه اسیر جنگی حق دارد از کمک یکی از اسیران همراه خود برخوردار شود. یک وکیل صالح به انتخاب خودش از او دفاع کند. شهود را احضار کند و اگر لازم می‌داند از خدمات یک مترجم شایسته استفاده کند. اسیر جنگی همانند اعضای نیروهای مسلح دولت بازداشت‌کننده حق دارد به‌منظور ابطال یا بازبینی حکم صادره برای خود تجدیدنظرخواهی کند. هرگونه حکم و مجازات باید فوراً به دولت حامی گزارش شود (ماده ۱۰۶ و ۱۷۵ کنوانسیون سوم ژنو). به موجب ماده ۷۵ پروتکل الحاقی شماره ۱ و ماده ۶ پروتکل الحاقی شماره ۳ به کنوانسیون‌های ژنو نیز، تضمین‌های اساسی قضایی و لزوم دادرسی عادلانه و آیین دادرسی که متضمن اطلاع از جزئیات اتهام و حق دفاع و وسایل دفاع قبل و در خلال محاکمه باشد، ضروری است؛ نیز کتاب مصطفی فضایی، دادرسی عادلانه، محاکمات کیفری بین‌المللی، تهران: شهر دانش، چ ۲، ۱۳۸۹.

همکاری نمایند. براین اساس اولاً، اسرائیل عضوی از این پیمان محسوب می‌شود که الزام به همکاری شامل این رژیم هم می‌شود. در این زمینه می‌توان حق شرط را مطرح کرد؛ چنانچه که الجزایر نیز آن را در پیوستن خود مطرح کرده است، ولی این حق شرط نمی‌تواند دربرگیرنده همه کشورهای باشد که ایران در شرایط کنونی با آن مشکل دارد؛ به عبارت دیگر، از آنجایی که فضای سیاسی بین‌المللی در اکثر موارد علیه ایران رقم می‌خورد در صورت پذیرش این کنوانسیون به کشورهای دیگر حق داده می‌شود و برای ایران تعهد حقوقی در همکاری ایجاد می‌شود. طبیعتاً در صورت عدم همکاری، این سازوکار حقوقی خوراک تبلیغاتی و عملیات روانی علیه جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌آورد، چرا که در این کنوانسیون در برخی از مواد ایجاد سازوکار یکسان و تعریف شده بین‌المللی را معیاری برای همکاری کارشناسی معرفی کرده است.

لایحه تصویب کنوانسیون میناماتا در مورد جیوه^۱

حدود ۱۴۰ کشور در ۲۰۱۳ به نخستین پیمان بین‌المللی (کنوانسیون میناماتا) برای کاهش آلودگی جیوه در محیط زیست به توافق رسیده‌اند. این کنوانسیون طراحی شده است تا ممنوعیت استفاده از جیوه در تولیدات را در کنار ممنوعیت هر نوع واردات و صادرات آن تا ۲۰۲۰ نهایی کند.^۲

1 - Minamata Convention on Mercury

۲ - کنوانسیون تلاش می‌کند که هرگونه استفاده از جیوه را تا ۲۰۲۰ حذف کند.

بنیانگذاران این کنوانسیون بر مبنای سمی^۱ بودن فلز جیوه اقدام به شکل‌دهی این کنوانسیون نموده‌اند که اجرای آن برای همه اعضا الزام‌آور است. عضویت ایران در این کنوانسیون به تصویب رسید و به‌عنوان قانون نیز ابلاغ شد؛ با این وجود تعهداتی که این کنوانسیون بر همه اعضا از جمله ایران اعمال خواهد کرد، عبارتند از:

محدود کردن استفاده از جیوه در کنار اعمال محدودیت‌های صادراتی و وارداتی جیوه در سطح بین‌المللی برای همه کشورها جز در مواردی که کنوانسیون مشخص می‌کند.

تلاش برای بهسازی و ارتقای صنایع^۲ داخلی به‌منظور حذف کاربرد جیوه. در این زمینه کشورهایی که دارنده تکنولوژی‌های غیرجیوه هستند، باید به سایر اعضا کمک اطلاعاتی، تکنولوژیک و مالی به منظور ارتقای صنایع داخلی آن‌ها انجام بدهند. این اقدامات باید در قالب گزارش‌هایی به گردهمایی کنوانسیون اعلام شود.

تحلیل و جمع‌بندی

جیوه یک فلز سمی است و کنترل مصرف آن قطعاً برای سلامت نسل کنونی و نسل‌های آتی ایران مفید خواهد بود. محدودیت‌های آن نیز برای ایران چندان زیاد نخواهد بود؛ چرا که کل خاورمیانه ۱,۹٪ از تولید جیوه جهان را در اختیار دارند و

۱ - آخیم اشتاینر، مدیر برنامه محیط زیست سازمان ملل این توافقنامه را مهم‌ترین ابزار برای حفظ سلامت مردم جهان دانست. او گفت: ما باید در مورد خطرناک بودن این فلز به مردم اطلاع‌رسانی کنیم. البته در بسیاری از حوزه‌ها می‌توان از جایگزین‌های جیوه استفاده کرد. بنابراین لازم است در این کنوانسیون به ممنوعیت استفاده از این فلز سرعت دهیم.
۲ - این صنایع عمدتاً به استخراج طلا مربوط می‌شود.

به نظر می‌رسد هدف اصلی این کنوانسیون چین باشد که اولین تولیدکننده جیوه در سطح جهان است. با این وجود به نظر می‌رسد عضویت در این کنوانسیون به دلیل اینکه بر اساس ماده ۳۲ کنوانسیون هیچ حق شرطی را نمی‌پذیرد با اصول ۱۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی مغایر باشد.^۱ در ضمن بحث کمک‌های مالی نیز که در ماده ۱۳ این کنوانسیون ذکر شده، با اصل ۸۰ قانون اساسی باید تطبیق داده شود.

از طرف دیگر، این ممنوعیت‌های استفاده از جیوه در ایران دربرگیرنده طیف وسیعی از صنایع داخلی می‌شود که در صورت عدم استفاده بهینه یا منزوی کردن ایران در دادن تکنولوژی یا منابع مالی می‌تواند برای ایران مشکل ایجاد کند. مصرف جیوه در ایران از استحصال طلا گرفته تا تولید لامپ‌های جیوه‌ای و نیروگاه‌ها یا کارخانجات زغالسنگ‌سوز را دربرمی‌گیرد؛ بنابراین به صورت غیرمستقیم ایران را ملزم به ارتقای تمام این صنایع می‌کند.^۲ جدول زیر سهم استفاده جهانی جیوه در صنایع مختلف را ذکر می‌کند.

۱ - هر چند شورای نگهبان آن را مغایر ندانست.

۲ - رئیس سازمان محیط زیست ایران اقدامات ایران در این خصوص را اینگونه توضیح داده است. تدوین دستورالعمل فنی مدیریت زیست‌محیطی پسماندهای جیوه بر اساس دستورالعمل تهیه شده توسط دبیرخانه کنوانسیون بازل، تعطیلی یک واحد کالر آلکالین پتروشیمی (پتروشیمی شیراز) و برنامه‌ریزی برای مدیریت زیست‌محیطی پسماندهای جیوه و تجهیزات آلوده به آن‌ها و برنامه‌ریزی برای جایگزینی فرآیند سل جیوه‌ای واحد کالر آلکالی دو پتروشیمی دیگر (بندر امام و آبادان)، اجرای مفساد کنوانسیون بازل برای هرگونه حمل و نقل جاده‌ای و برون‌مرزی پسماندهای حاوی جیوه، تدوین استاندارد حداکثر حد مجاز انتشار جیوه به هوا، علاوه بر استاندارد ملی موجود برای تخلیه فاضلاب به محیط‌های پذیرنده، اطلاع‌رسانی و اجرای برنامه‌های آموزشی از خطرات ناشی از جیوه و اجرای برنامه‌های تشویقی برای مصرف‌کنندگان جیوه و ترکیبات آن و پیشرفت در ایجاد محدودیت برای مصرف غیرضوری آن و تدوین پروژه ملی کاهش و حذف جیوه در کلیه بخش‌ها و ارائه آن به صندوق تسهیلات جهانی محیط زیست (GEF) از دیگر اقدامات ایران بوده است. در : <http://www.isna.ir/news>

جدول ۱. روش‌های انتشار جیوه در محیط و درصد انتشار

درصد	روش انتشار
۳۷	استخراج طلا از معادن کوچک
۲۴	سوخت‌های زغال سنگی
۱۰	تولید اولیه فلزات غیر آهنی (Al, Cu, pb, Zn)
۹	تولید سیمان
۵	پسماندهای قابل فروش جیوه
۵	استخراج طلا از معادن بزرگ
۴	مناطق آلوده
۲	تولید اولیه فلزات آهنی
۱	صنعت کلر
۱	سوخت‌های نفتی و گازی
۱	صنعت نفت
< ۱	سوزاندن پسماندهای آمالگام
< ۱	معادن جیوه

Source: UNEP, 2013.

جز موارد ذکر شده، لوایح دیگری نیز برای پذیرش تعهدات بین‌المللی در دولت یازدهم به مجلس ارائه شد که به دلیل پذیرش تعهدات کاملاً تکنیکی و کارشناسی شده بحث و مخالفتی را ایجاد نکرد. این تعهدات عبارتند از: تصویب اصلاحات اساسنامه، کنوانسیون و آیین‌نامه کلی اتحادیه بین‌المللی مخابرات به مجلس، لایحه الحاق ایران

به کنوانسیون تمپره در مورد ارائه منابع مخابراتی برای کاهش بلا و عملیات امدادی، لایحه تصویب احکام و مصوبات بیست و پنجمین کنگره اتحادیه جهانی پست، لایحه تصویب اصلاحیه کنوانسیون بازل درباره کنترل انتقالات مرزی مواد زاید زیان‌بخش و دفع آن‌ها، لایحه اصلاح قانون الحاق ایران به کنوانسیون لغو ضرورت تصدیق رسمی اسناد دولتی بیگانه لایحه مربوط به کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا.

موافقت‌نامه‌های تعهدآور بین‌المللی

همانطور که در بادی امر ذکر شد، در برخی موارد معاهدات بین‌المللی به لحاظ موضوعی معاهده محسوب می‌شوند، ولی از لحاظ شکلی در قالب دیگری تقسیم‌بندی می‌شوند؛ برای مثال، یک توافقنامه بین‌المللی برای ایران تعهداتی مانند معاهدات بین‌المللی به همراه می‌آورد که بر اساس چارچوب حقوقی جمهوری اسلامی ایران باید با آن همچون یک معاهده بین‌المللی برخورد شود و در مجلس به تصویب نمایندگان مردم برسد و برای تعهدآور شدن، تأیید شورای نگهبان را نیز به همراه خود داشته باشد.

در دولت یازدهم موافقت‌نامه‌های متعددی با سایر کشورها برای انجام امور تکنیکی و اجرایی منعقد شد که از حوزه موضوعی بحث پیش رو خارج است، اما دو موافقت‌نامه برجسام و گروه ویژه اقدام مالی^۱ FATF را می‌توان از اصلی‌ترین تلاش‌های حقوقی

1 - Financial Action Task Force

دولت یازدهم برای نیل به اهداف از پیش تعیین شده آن برشمرد. این موافقت‌نامه‌ها همزمان از اصلی‌ترین مسائل مورد مناقشه حقوقی دولت یازدهم و تعهدآورترین اعمال حقوق بین‌المللی دولت یازدهم هستند. بنابراین در ادامه به تفصیل به بحث و بررسی هر دو توافق‌نامه خواهیم پرداخت و از آن‌جا که درباره برجام مباحث متعدد مطرح شده و در مجلس نیز به تصویب رسیده است و بدعهدی‌های کنونی دولت آمریکا نیز ماهیت آن را از ابتدا مشخص کرده است، ابتدا به موافقت‌نامه FATA می‌پردازیم و در ادامه مباحث مورد نظر را در شرایط کنونی برجام ادامه خواهیم داد.

گروه ویژه اقدام مالی FATA

گروه ویژه اقدام مالی ابتکاری بوده است که از سوی گروه هفت^۱ در ۱۹۸۸ مطرح و در نهایت در ۱۹۸۹ در پاریس تشکیل شد. این گروه هدف تشکیل خود را مقابله با پول‌شویی^۳ و تأمین مالی تروریسم^۴ قرار داده است؛ از این‌رو می‌توان مقابله پول‌شویی را که در دهه ۱۹۸۰ بسیاری از سازوکارهای اقتصادی بین‌المللی را مختل کرده است،

1-G-7

2-Anti-Money Laundering (AML).

۳- پول‌شویی به فرآیندی اطلاق می‌شود که در خلال آن، پول کثیف و در واقع پول حاصل از عمل یا اعمال مجرمانه تطهیر می‌شود، به‌گونه‌ای که به پول به ظاهر مشروع و بدون هیچ اثری از جرم منشأ، تبدیل می‌شود. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به کتاب پول‌شویی و روش‌های مبارزه با آن؛ تألیف فریده تذهیبی، از انتشارات جنگل و کمیته ایرانی اساق بازرگانی بین‌المللی، مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم در بانک‌ها، نوشته سید آیت‌الله تجلی از انتشارات آراد.

4-Combating Financing Terrorism (CFT).

به‌عنوان علت و فلسفه وجودی اولیه این گروه اقدام مالی برشمرد،^۱ ولی در ۲۰۱۲ موضوع جدیدی با عنوان «مبارزه با تأمین مالی اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی نیز به لیست اهداف این گروه اضافه شد. این گروه پس از مدت اندکی به کلیه اعضای OECD گسترش پیدا کرد و در واقع تلاشی میان کشورهای غرب‌محور آن زمان برای ایجاد شفافیت بین‌المللی محسوب می‌شده است؛ از طرف دیگر، این با فروپاشی شوروی اعضای این گروه همچنان ارتقا یافت تا جایی که خود روسیه نیز در راستای تلاش‌هایش برای جذب شدن در اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۳ به این گروه پیوست. در حال حاضر و در سال ۲۰۱۵ این گروه ۳۵ عضو را دربرمی‌گیرد، ولی ۱۹۸ کشور جهان به‌صورت مستقیم یا از طریق سازوکارهای منطقه‌ای توصیه‌های این گروه را اجرا می‌کنند. این کارگروه ویژه علاوه بر اعضا یا پذیرندگان توصیه، سازمان‌هایی را نیز به‌صورت ناظر دارد که آن‌ها نقش محوری در سیستم مالی بین‌المللی دارند. بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، کمیته نظارت بانکی بال، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، بانک مرکزی اروپا، سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار، پلیس بین‌الملل اینترپل، دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرائم سازمان ملل، کمیته ضد تروریسم شورای امنیت از جمله ناظران آن هستند. بنابراین تا به اینجا این مسأله محرز شده است که عضویت در این

۱ - جمهوری اسلامی ایران پول‌شویی را در ۱۳۸۶ به‌عنوان یک جرم مورد شناسایی قرار داد و در کنار مقررات بین‌المللی نظیر: کنوانسیون وین ۱۹۸۸، کنوانسیون استراسبورگ ۱۹۹۰، توصیه‌های چهل‌گانه گروه ویژه اقدام مالی ۱۹۹۰ و اصلاحیه‌ها و متمم‌های آن ۱۹۹۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴ و ۲۰۱۲، دستورالعمل‌های سه‌گانه اتحادیه اروپا ۱۹۹۱، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵، کنوانسیون سرکوب تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۹ و کنوانسیون پالمو ۲۰۰۰ به جرم‌انگاری این پدیده پرداخت. اطلاعات بیشتر در: استانداردهای بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم توصیه‌های چهل‌گانه گروه ویژه اقدام مالی FATF: ترجمه و تألیف فردوس زارع قاجاری، علی قائم‌مقامی، زیر نظر: عبدالمهدی ارجمندنژاد، ۱۳۹۲.

گروه به عنوان یک معاهده بین‌المللی (صرف‌نظر از ماهیت معاهده‌ای آن که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود) نیست، بلکه یک تلاش بین‌المللی است برای پول‌شویی که توسط کشورهای غربی پایه‌ریزی و مدیریت می‌شود. از آن‌جا که هدف این گزارش بررسی تعهداتی است که ایران در صورت پیوستن به این کارگروه باید به آن پایبند باشد، به متن توصیه‌های ذکر شده ورود پیدا نمی‌کنیم و فقط بر اساس گزارش بانک مرکزی آخرین نسخه این توصیه‌ها را به صورت مختصر بیان خواهیم کرد. تحلیل و بررسی‌های بیشتر در قسمت تعهدات و تحلیل و جمع‌بندی لحاظ خواهد شد.

توصیه‌هایی که کارگروه اقدام مالی به اعضا اعلام می‌کند در هفت عنوان کلی قابل تقسیم‌بندی است:

- عنوان اول به «سیاست‌ها و هماهنگی‌ها در زمینه مبارزه با پول‌شویی و مبارزه با تأمین مالی تروریسم» اختصاص دارد که توصیه‌های شماره ۱ و ۲ را دربرمی‌گیرد.
- عنوان دوم، «پولشویی و مصادره» است و توصیه‌های شماره ۳ و ۴ را شامل می‌شود.
- عنوان سوم، «تأمین مالی تروریسم و تأمین مالی برای اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی» را تشکیل می‌دهد که چهار توصیه شماره ۴ تا ۸ را شامل می‌شود.
- عنوان بعدی، «اقدامات پیشگیرانه» است که از توصیه شماره ۹ تا توصیه شماره ۲۳ در این قسمت آمده است.
- عنوان پنجم به موضوع «شفافیت و مالکیت ذی‌نفعانه اشخاص و ترتیبات حقوقی» پرداخته است که توصیه‌های شماره ۲۴ و ۲۵ را دربرمی‌گیرد.

- از توصیه شماره ۲۶ تا توصیه شماره ۳۵ ذیل عنوان ششم، یعنی «اختیارات و مسئولیت‌های مراجع ذیصلاح و سایر تدابیر سازمانی» آورده شده است.
 - هفتمین و آخرین عنوان نیز «همکاری‌های بین‌المللی» است که پنج توصیه از شماره ۳۶ تا ۴۰ را شامل می‌شود.^۱
- تعهدهایی که ایران در صورت عضویت در این کارگروه، باید به آن‌ها متعهد شود، دو دسته هستند: تعهدات ابتدایی و اولیه برای ورود به این کارگروه و تعهداتی که پس از ورود به آن باید بپذیرد و عبارتند از:

تعهدات ابتدایی

- در سطح سیاسی کاملاً تعهد نماید که توصیه‌های فنف را در چارچوب زمانی متعارف سه ساله اجرا می‌کند و سیستم خودارزیابی سالانه و حداقل دو نوبت ارزیابی متقابل را تقبل می‌نماید؛
 - عضو فعال نهادهای منطقه‌ای شبه‌فنف باشد، یا در مواردی که چنین نهادهایی وجود ندارد، برای تأسیس آن آمادگی داشته باشد؛
 - از لحاظ راهبردی کشور مهمی باشد؛
- پیش‌تر در حقوق داخلی خود تطهیر عواید ناشی از قاچاق مواد مخدر و سایر جنایات شدید را به‌عنوان یک جرم جنایی لحاظ نموده باشد؛

۱ - این تقسیم‌بندی از گزارش بانک مرکزی در ۱۳۹۲ اقتباس شده است، چرا که معتبرترین نهاد مالی کشور است و با رعایت ملاحظات مالی آن را تبیین نموده است.

پیش‌تر مؤسسات مالی خود را به احراز هویت مشتریان و همچنین گزارش معاملات مشکوک یا غیرمتعارف ملزم کرده باشد.^۱

تعهدات پس از ورود به FATF

زمانی که تعهدات کشورهای عضو در این کارگروه را مشاهده می‌کنیم، با طیف وسیعی از تعهدات مواجه می‌شویم که به عقیده نویسنده هرگونه بی‌توجهی به آن‌ها سبب عدم درک صحیح از دامنه تعهدات کشورهای این کارگروه می‌شود. در واقع ۴۰ توصیه‌ای که کارگروه اقدام مالی انجام می‌دهد، هر یک به تنهایی یک تعهد محسوب می‌شوند و برای کشورهای عضو، الزام بین‌المللی به وجود می‌آورند. بنابراین به نظر می‌رسد ذکر همه توصیه‌های این کارگروه در تحقیق پیش رو لازم باشد.

- **توصیه شماره ۱:** ارزیابی خطرها و اتخاذ رویکرد مبتنی بر خطر: در این توصیه تأکید شده است که کشورها باید گروه‌هایی را که خطر پول‌شویی در آن‌ها بیشتر است، شناسایی کند و مطمئن شود در نظام تأمین مالی آن کشور این خطرها به صورت دقیق زیر نظر قرار گرفته است.
- **توصیه شماره ۲:** همکاری و هماهنگی ملی: کشورها باید سیاست‌های ملی مبارزه با پول‌شویی تدوین کنند. در این زمینه باید مطمئن شوند که واحد اطلاعات مالی به همه اطلاعات مالی مرتبط دسترسی پیدا کنند.

1 - Process and criteria for becoming a FATF member, FATF-GAFI.org

و نیز در مطلب آقای مهدی رحیمی‌نسب در ماهنامه تحلیلی ترویجی پدافند اقتصادی، شماره ۲۱، مرداد ۱۳۹۵، صص ۲۷ و ۲۸.

- **توصیه شماره ۳:** جرم پولشویی: باید بر مبنای کنوانسیون وین ۱۹۸۸^۱ و پالرمو ۲۰۰۰^۲ جرم‌انگاری شود و به همه جرائم شدید تسری پیدا کند.
- **توصیه شماره ۴:** مصادره و اقدامات موقت برای اموال حاصل از پول‌شویی بر مبنای کنوانسیون وین، پالرمو و سرکوب تروریسم.^۳
- **توصیه شماره ۵:** جرم تأمین مالی تروریسم: کشورها باید علاوه بر جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم بر مبنای کنوانسیون تأمین مالی تروریسم، لازم است تأمین مالی سازمان‌های تروریستی و افراد تروریست را حتی در صورت عدم ارتباط آن‌ها با یک اقدام یا مجموعه اقدامات تروریستی خاص، جرم‌انگاری کنند. کشورها باید اطمینان دهند در قوانین داخلی آن‌ها، اینگونه جرائم به‌عنوان جرائم منشأ پول‌شویی معین شده‌اند.
- **توصیه شماره ۶:** تحریم‌های مالی هدفمند در ارتباط با تروریسم و تأمین مالی تروریسم و در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد و برای اجرایی شدن قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل باید به اجرا گذاشته شود.
- **توصیه شماره ۷:** تحریم‌های مالی هدفمند در ارتباط با اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد و برای اجرایی شدن

1 - United Nations Convention against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances, 1988 (the Vienna Convention)

2 - United Nations Convention against Transnational Organized Crime, 2000 (the Palermo Convention)

3 - International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, adopted by the General Assembly of the United Nations on 9 December 1999

- قطعه‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل باید به اجرا گذاشته شود.
- توصیه شماره ۸: سازمان‌های غیرانتفاعی باید از نظر پول‌شویی کنترل شوند.
 - توصیه شماره ۹: قوانین ناظر بر رازداری در مؤسسات مالی نباید مانع کار این کارگروه شود.
 - توصیه شماره ۱۰: شناسایی کافی مشتریان
 - توصیه شماره ۱۱: نگهداری سوابق تا ۵ سال و تسلیم آن به کارگروه در صورت درخواست.
 - توصیه شماره ۱۲: اشخاص دارای خطر سیاسی در رابطه با مسائل مالی باید مشمول تدابیر اضافی مراقبتی بشوند.
 - توصیه شماره ۱۳: کارگزاری بانکی که اعمال تجارت خارجی انجام می‌دهد نیز باید مشمول جمع‌آوری اطلاعات اضافی بشود و از همکاری با بانک‌های پوسته‌ای^۱ منع شود.
 - توصیه شماره ۱۴: خدمات مربوط به انتقال وجوه یا ارزش باید با مجوز دولت و کارگروه اقدام مالی باشد.
 - توصیه شماره ۱۵: فناوری‌های جدید در مبارزه با پول‌شویی باید افزایش پیدا کند.
 - توصیه شماره ۱۶: نقل و انتقالات الکترونیکی وجوه باید با ثبت اطلاعات دقیق در هر کشور انجام شود. در این نقل و انتقالات باید طبق تعهدات مقرر در قطعه‌نامه‌های مربوط شورای امنیت سازمان ملل متحد از جمله قطعه‌نامه ۱۲۶۷ سال ۱۹۹۹ و قطعه‌نامه‌های پیرو آن و نیز قطعه‌نامه ۱۳۷۳ سال ۲۰۰۱ مرتبط با ممنوعیت و

۱ - برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: «بانک‌های پوسته‌ای و دفاتر اجاره‌ای»، انتشارات کمیته نظارت بانکی بال، بانک تسویه بین‌المللی ژانویه ۲۰۰۳، ترجمه عبدالمهدی ارجمندنژاد، اسفند ۱۳۸۹، قابل دسترسی در پایگاه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به‌نشانی <http://www.cbi.ir>، بخش نظارت بانکی زیرمجموعه مبارزه با پول‌شویی مترجمان.

- سرکوب تروریسم و تأمین مالی تروریسم، دارایی‌های افراد و مؤسسات معین را مسدود کرده و باید انجام هرگونه معامله با اشخاص مزبور را ممنوع کنند.
- توصیه شماره ۱۷: اتکا به اقدامات اشخاص ثالث باید از طریق بانک تأیید شود. بر این مبنای، تمام سوابق همکاری‌های ثالث با بانک‌ها باید تأیید و نگهداری شود.
 - توصیه شماره ۱۸: کنترل‌های داخلی شعب و مؤسسات تابعه در خارج بر اساس مقررات ضد پول‌شویی صورت گیرد.
 - توصیه شماره ۱۹: در معامله با کشورهای دارای خطرپذیری بیشتر، باید تمهید اقدامات متقابل باشد.
 - توصیه شماره ۲۰: گزارش‌دهی معاملات مشکوک.
 - توصیه شماره ۲۱: ارائه اطلاعات محرمانه و رازداری کارمندان و مدیران باید ابتدا نسبت به کارگروه باشد.
 - توصیه شماره ۲۲: مشاغل و حرفه‌های غیرمالی معین: شناسایی کافی مشتریان.
 - توصیه شماره ۲۳: مشاغل و حرفه‌های غیرمالی معین: سایر تدابیر و اقدامات.
 - توصیه شماره ۲۴: شفافیت و مالکیت ذی‌نفعانه اشخاص حقوقی.
 - توصیه شماره ۲۵: شفافیت و مالکیت ذی‌نفعانه در ساختارهای ترتیبات حقوقی نظیر تراستها باید در دستور کار کشورها قرار بگیرد.
 - توصیه شماره ۲۶: وضع مقررات و اعمال نظارت بر مؤسسات مالی.
 - توصیه شماره ۲۷: اختیارات ناظران.
 - توصیه شماره ۲۸: وضع مقررات و اعمال نظارت بر مشاغل و حرفه‌های غیرمالی معین.

- **توصیه شماره ۲۹:** واحدهای اطلاعات مالی باید تمامی اطلاعات بین‌المللی و داخلی درباره تمام اعمال مالی را حفظ کند.
- **توصیه شماره ۳۰:** مسئولیت‌های مراجع اعمال قانون و انجام تحقیقات.
- **توصیه شماره ۳۱:** اختیارات مراجع اعمال قانون و انجام تحقیقات.
- **توصیه شماره ۳۲:** حمل‌کنندگان پول نقد باید زیر ذره‌بین دولت‌ها باشند.
- **توصیه شماره ۳۳:** آمار تمام گزارش‌ها و برخوردها با نقض‌کنندگان این قوانین را حفظ و اعلام کند.
- **توصیه شماره ۳۴:** راهنمایی و بازخورد.
- **توصیه شماره ۳۵:** مجازات‌های هاب مقتضی مدنی و کیفری باید در سطح داخلی تمهید شود.
- **توصیه شماره ۳۶:** اسناد بین‌المللی کشورها باید برای پیوستن به کنوانسیون وین ۱۹۸۸، کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۰، کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد ۲۰۰۳ و کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۹ و اجرای کامل آن‌ها، اقدامات فوری انجام دهند. همچنین حسب مورد، کشورها ترغیب می‌شوند، سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط مانند کنوانسیون شورای اروپا درباره جرائم سایبری ۲۰۰۱، کنوانسیون کشورهای امریکایی علیه تروریسم ۲۰۰۲ و کنوانسیون شورای اروپا علیه پول‌شویی، تجسس، توقیف و مصادره عواید حاصل از جرم و تأمین مالی تروریسم ۲۰۰۵ را تصویب و اجرا کنند.
- **توصیه شماره ۳۷:** معاضدت قضایی باید میان کشورها برقرار شود و در صورت نبود ساختار مناسب باید ساختارسازی صورت بگیرد.

- **توصیه شماره ۳۸:** معاضدت قضایی؛ توقیف و مصادره: کشورها باید اطمینان دهند که از توانایی لازم برای اقدام فوری در پاسخ به درخواست‌های ارائه شده از سوی کشورهای خارجی مبنی بر شناسایی، مسدود کردن، توقیف و مصادره اموال تطهیر شده از طریق پول‌شویی، عواید حاصل از پول‌شویی، جرائم منشأ و تأمین مالی تروریسم، امکانات مورد استفاده یا به قصد استفاده برای ارتکاب اینگونه جرائم و یا اموال دارای ماهیت مشابه برخوردار هستند.
- **توصیه شماره ۳۹:** استرداد: کشورها باید به صورت سازنده و به شکل مؤثری درخواست‌های استرداد مرتبط با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم را بدون هیچ تأخیر غیرموجهی اجابت کنند.
- **توصیه شماره ۴۰:** سایر اشکال همکاری بین‌المللی باید با تمام ابزارهای داخلی و در تمام سطوح میان کشورها در رابطه با جرم ذکر شده و با سرعت و جدیت شکل بگیرد.

تحلیل و جمع‌بندی

برخلاف تمام معاهداتی که تاکنون بررسی شد، کارگروه اقدام مالی FATF هیچ مفهوم انضمامی برای مخفی نگه‌داشتن آنچه را که از اعضای خود می‌خواهد با صراحت تمام اعلام می‌دارد؛ از این‌رو، محل نزاع بررسی تعهداتی که این کارگروه بر کشورها تحمیل می‌کند، از باب تعهد بودن یا نبودن آن‌ها نیست، بلکه در راستای نوع تعهدات و تأثیرات احتمالی آن‌ها خواهد بود که در ادامه به آن‌ها رسیدگی می‌شود.

اولین مسأله در بررسی کارگروه اقدام مالی نفس معاهده بودن یا نبودن آن است. در این زمینه باید ذکر کرد که این کارگروه از نظر نام و قالب شکلی آن یک معاهده بین‌المللی نیست، ولی از نظر محتوایی قطعاً یک معاهده بین‌المللی است که در صورت پذیرش تمام تعهدات ذکر شده باید در دستور کار دولت‌ها قرار بگیرند؛ از طرف دیگر، به دلیل معاهده بودن آن، هرگونه پذیرش یا عضویت آن باید مطابق قانون داخلی ایران از مجرای تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان باشد. طرفداران عضویت در این کارگروه ادعا می‌کنند که مشابه بسیاری از کشورها، اجرای تمامی توصیه‌های چهل‌گانه الزام‌آور نبوده و از این بابت تعهدی متوجه کشور نخواهد بود. این استدلال به‌طور کامل اشتباه است و پیوستن در آن برای ایران تعهدات الزام‌آور بسیار زیادی خواهد داشت. اصولاً اگر الزام‌آور بودن توصیه‌های این کارگروه را زیر سؤال ببریم، اصول عضویت در آن نیز به طریق اولی زیر سؤال می‌رود و اصولاً فلسفه شکل‌گیری آن نیز با مشکل مواجه می‌شود؛ از طرف دیگر اگر بنای عضویت در این گروه بر

اعتمادسازی برای ورود سرمایه‌های خارجی باشد، عضو شدن و تمکین نکردن به این توصیه‌های کارگروه خودبه‌خود سبب ایجاد فضای منفی علیه ایران می‌شود، منتها این بار با بهانه نقض حقوق بین‌المللی که ایران خودش به گردانندگان این پیمان بین‌المللی داده است.

دومین مسأله‌ای که درباره این کارگروه بسیار بحث‌برانگیز است، میزان دسترسی این کارگروه به اطلاعات داخلی است. بر اساس تعهداتی که این کارگروه برای کشورهای عضو خود مشخص می‌کند، تمام تراکنش‌های مالی، افرادی یا شرکت‌هایی که تراکنش مالی انجام می‌دهند، اندازه تمام تراکنش‌هایی که صورت می‌گیرد و تقریباً تمام آنچه که اقتصاد ایران انجام می‌دهد یا می‌خواهد انجام بدهد توسط این کارگروه رصد می‌شود؛ به عبارت دیگر، از طریق این تعهد، نه تنها گروه‌های نیابتی ایران آن‌گونه که از سوی غربی‌ها ادعا می‌شود، بلکه خود ایران نیز در معرض بی‌سابقه‌ترین نظارت‌های مالی قرار خواهد گرفت که در تاریخ ایران سابقه نداشته است. این مسأله زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که به اعمال پیشین این کارگروه مالی دقت می‌کنیم و درمی‌یابیم که FATF در سال ۲۰۰۷، جمهوری اسلامی ایران را به اتهام حمایت از تروریسم و کمک‌های مالی به گروه‌های مقاومت در فهرست کشورهای قرار داده بود که نظام مالی بین‌الملل را تهدید می‌کنند و به سایر کشورها درباره «خطر بالای» معامله و برقراری روابط تجاری و یا سرمایه‌گذاری در ایران هشدار داده بود. کارگروه اقدام ویژه FATF توضیح داده بود که ایران و کره شمالی، دو کشوری هستند که

بالاترین خطر مالی و سرمایه‌گذاری در جهان را دارند.^۱

سومین مسأله‌ای که در این زمینه وجود دارد، عبارت است از: تعریف از تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی و پول‌شویی. در واقع تعاریف این مفاهیم در بسیاری از مواقع به دلیل اعتقادات نظام جمهوری اسلامی ایران با برداشت رایج در سطح جهانی متفاوت است؛ برای مثال، گروه‌های جهادی شیعه عراق، سوریه، افغانستان، عراق، فلسطینی، حزب‌الله لبنان، از دید شکل‌دهندگان به کارگروه مذکور، در بسیاری از موارد به‌عنوان گروه‌های تروریستی یا گروه‌هایی با اعمال تروریستی^۲ مطرح می‌شوند. بنابراین هرگونه همکاری با این گروه‌ها از دید کارگروه مذکور می‌تواند به‌عنوان کمک به پول‌شویی و کمک به تروریسم محسوب می‌شود که در صورت پیوستن به

۱ - در سال ۲۰۰۹ برای اولین بار، نام ایران در کنار نام پاکستان، ازبکستان، ترکمنستان وارد لیست سیاه پیشنهادی سرمایه‌گذاری FATF شد. در سال‌های بعدی نیز گزارش‌ها ادامه پیدا کرد و نام ایران در رأس لیست سیاه به‌چشم می‌خورد، درحالی‌که FATF این حق را برای خودش محفوظ می‌داند که در بررسی‌های تازه، نام بعضی کشورها را از لیست حذف و نام کشورهای دیگری را به آن اضافه کند، اما ایران در کنار کره‌شمالی، در جایگاهی حتی بدتر از «لیست سیاه» و در فهرست کشورهای قرار می‌گرفت که توصیه می‌شد علیه آن‌ها «اقدامات مقابله‌ای» انجام شود.

۲ - در این زمینه می‌توان بیان کرد که استدلال دولت درباره حل این مشکل تقسیم‌بندی مفهومی و مصداقی واژه تروریست است. در کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹)، تعریفی از تروریسم پذیرفته شده است که در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ در جمهوری اسلامی ایران نیز با اندکی تغییر در عبارات، مورد قبول قرار گرفته است. به‌موجب قانون مزبور، ایران نیز مانند اکثر کشورها اعمال خشونت‌باری را که از طریق ارباب مردم، قصد تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و رویه‌های دولت‌ها را دارند، اعمال تروریستی محسوب کرده است و به بخش قابل توجهی از کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد که برای مقابله با تروریسم تدوین شده‌اند، پیوسته است؛ از طرف دیگر، بخش مصداقی موضوع تروریسم در نگاه دولت یازدهم به انتخاب دولت مذکور است و بیان می‌دارد که هیچ چیز در توصیه‌های گروه اقدام مالی وجود ندارد که ایران را ملزم نماید از فهرست آمریکا یا هر کشور دیگری در زمینه سازمان‌ها و نهادهای تروریستی تبعیت کند. ایران مانند بسیاری از کشورها می‌تواند در هنگام پیوستن به هر کنوانسیونی، اعمال حق شرط کند؛ درحالی‌که این تقسیم‌بندی در مقصر جلوه‌دادن ایران وجود ندارد و به محض پذیرش تعهدات بین‌المللی قدرت تفسیر برای مفاهیم در اختیار اراده حاکم خواهد بود که اتفاقاً و به‌صورت مصداقی خود ایران را نیز از کشورهای حامی تروریسم می‌داند.

این کارگروه مورد رصد نیز قرار خواهد گرفت؛ از طرف دیگر، هرگونه همکاری بین دستگاه‌هایی که با گروه‌های مقاومت همکاری می‌کنند، با دستگاه‌هایی که از سوی کارگروه رصد می‌شوند، می‌تواند هم اسرار نهادهای امنیتی را برملا کند و هم برای ایران ضمانت اجرای معرفی به‌عنوان کمک به تروریسم فراهم کند. این ضمانت اجرا حتی می‌تواند برای ایران تحریم‌های اقتصادی در چارچوب اقدامات متقابل کارگروه و هم استفاده از تمهیدات فصل هفت سازمان ملل را مهیا کند. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که دریا بیم تحریم‌های اقتصادی و تهدید به جنگ علیه ایران محصول فضای امنیتی‌سازی ایران از سوی آمریکا بوده و این در شرایطی انجام شده است که دولتمردان آمریکا از ایران دلیل و مدرک جدی در دست نداشته‌اند. در این امنیتی‌سازی در کنار ادعای تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای همواره تکنولوژی‌های موشکی و حمایت ایران از گروه‌های مقاومت وجود داشته است. حال این کارگروه نیز همین مسأله را در دستور کار خود قرار داده است و قصد نظارت دقیق در حوزه‌های مالی مربوط به تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی را دارد که طبیعتاً در صورت پیوستن ایران به این کارگروه می‌تواند دستاویزهای بیشتری را برای منزوی کردن ایران به‌دست آورد.

پذیرش کشور در کارگروه اقدام مالی از یک طرف، تن دادن به تعهداتی قراردادی است که ایران آن‌ها را به رسمیت شناخته است و از طرف دیگر، تن دادن به مجموعه‌ای دیگر از قراردادهایی است که حتی در سایر معاهدات بین‌المللی نیز ایران آن‌ها را به رسمیت نشناخته است؛ برای مثال، کشوری که عضو کارگروه اقدام مالی می‌شود،

خود به خود به معاهده پالمو، معاهده وین ۱۹۸۸، کنوانسیون استراسبورگ ۱۹۹۰ و برخی از توصیه‌های اتحادیه اروپا می‌پیوندد. نکته جالب درباره درخواست دولت برای پیوستن به این کارگروه، این است که مقدمات پیوستن به این کارگروه پیش‌تر در مجلس رد شده و به تصویب نرسیده است و حتی در آن بخش‌ها نیز به دلیل مغایرت با امنیت ملی و قانون اساسی مورد نقد قرار گرفته‌اند. حال نکته مورد توجه این است که FATF نقطه اوج تمام تعهدات ذکر شده است و باقی تعهدات در واقع پیش‌زمینه‌ای برای پذیرش عضویت در این کارگروه بوده‌اند.

برخلاف آنچه که دولت یازدهم ادعا می‌کند صرف عضویت در گروه اقدام مالی و اجرای توصیه‌های گروه مزبور باعث نخواهد شد که تبادل دوجانبه اطلاعات صورت گیرد و معاهدات معاضدت قضایی که میان جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها منعقد شده‌اند و تماماً به تصویب و تأیید شورای نگهبان رسیده و یا خواهند رسید، دغدغه‌های کشور در رابطه با انتقال اطلاعات حساس در نظر گرفته شده و محافظه‌کاری‌های لازم صورت گرفته و خواهد گرفت. این کارگروه معاضدت قضایی در چارچوب تعیین شده را یک تکلیف برای کشورهای مختلف می‌داند و بیان می‌کند که همه‌گونه معاضدت و همکاری‌های بین‌المللی بین اعضای آن از تکالیف دولت‌ها است؛ از طرف دیگر، محافظه‌کاری‌های لازم برای حفظ اطلاعات نیز از دید توصیه شماره ۹ این کارگروه مردود است و هیچگونه حق رازداری نباید مانع دسترسی کارگروه مذکور به اطلاعات شود که اکثر ابزارهای دولت ملی برای حفاظت از اطلاعات را محدود می‌کند.

برجام

با اتمام مذاکرات هسته‌ای به‌نظر می‌رسد دو دیدگاه در فضای داخلی ایران و آمریکا به‌وجود آمده است: دیدگاه اول نگرشی خوش‌بینانه است که رسیدن به توافق هسته‌ای را نقطه شروعی برای همکاری‌های منطقه‌ای ایران و آمریکا در نظر می‌گیرد و معتقد است پس از توافق مزبور، به ایران به‌عنوان یک قدرت مثبت در سیستم امنیتی خاورمیانه، از سوی آمریکا نقشی اعطا می‌شود. در مقابل، دیدگاه دومی وجود دارد که معتقد است ایران حتی در صورت امضای توافق هسته‌ای با کشورهای ۵+۱ همچنان در فضای منازعه با قدرت‌های خارجی در منطقه خاورمیانه به‌سر خواهد برد؛ از آن‌جا که توافق هسته‌ای با ایران تنها بخشی از سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا را تشکیل می‌دهد، درک سیاست‌های مزبور بدون در نظر گرفتن سایر متغیرهای منطقه‌ای نظیر تحولات یمن، عراق، اسرائیل، عربستان و... ممکن نخواهد بود. بنابراین برجام فراتر از توافق حقوقی یا معاهده بین‌المللی بودن، یک توافق سیاسی است که در درک کلی سیاست‌های آمریکا نسبت به ایران تغییری ایجاد نکرده و توافقاتی که ایران در برجام پذیرفته، تنها بخشی از حل و فصل یک موضوع بسیار کلان سیاسی بوده است که از سوی مقام آمریکایی برای مهار قدرت ایران ضروری به‌نظر می‌رسد؛ با این حال به‌دلیل حجم بسیار بالای مطالعات داخلی و بین‌المللی در زمینه برجام به‌نظر می‌رسد ذکر خلاصه‌ای از تعهدات ایران در قبال برجام کافی باشد.

- ایران باید پروتکل الحاقی NPT و حتی برخی موارد فراپروتکلی مثل نظارت آژانس بر قطعه‌سازی و تغلیط سنگ معدن اورانیوم را اجرا نماید.
- محدودیت سقف غنی‌سازی ۳.۶۷ درصد آن هم صرفاً به روش سانتریفیوژی و فقط هم در نطنز برای ۱۵ سال.
- لزوم خارج کردن حدود ۷۰ درصد سانتریفیوژهای غنی‌سازی اورانیوم و تجهیزات مربوطه از سایت‌های نطنز و فردو و انبار کردن آن‌ها.
- هشت سال ایران حق تولید سانتریفیوژ نخواهد داشت و تا ۱۵ سال ایران تنها به شرط اجازه ۱+۵ و کنترل آژانس می‌تواند تجهیزات غنی‌سازی و یا دانش آن را صادر و یا وارد نماید.
- محدودیت ذخیره اورانیوم غنی‌شده ایران در هر لحظه به ۳۰۰ کیلوگرم تا ۱۵ سال.
- عدم امکان تولید سوخت هسته‌ای توسط ایران و لزوم واردات سوخت هسته‌ای مورد نیاز.
- ایران حق بازفراوری سوخت مصرفی رآکتور آب سنگین اراک و بقیه نیروگاه‌ها را نداشته و باید آن را از کشور خارج کند.
- ایران حق ساخت رآکتور آب سنگین دیگری تا ۱۵ سال آینده را نخواهد داشت.
- لزوم ایران به بازطراحی رآکتور آب سنگین اراک آن هم با تأیید ۱+۵ در مورد روند بازطراحی.
- ممنوعیت ایران در انجام تحقیقات در زمینه متالوژی اورانیوم و پلوتونیوم به مدت ۱۵ سال.
- تحریم تست موشک‌های بالستیک میان و بلندبُرد به مدت ۸ سال و نیز تحریم خرید و فروش تسلیحاتی ایران به مدت ۵ سال ادامه خواهد یافت (قطعنامه شورای امنیت).

۱ - در زمینه تعهدات ایران در برجام متون مختلفی به نگارش در آمده است که این اصول از آن‌ها قابل استحصال است، ولی مطمئن‌ترین سندی که درباره تعهدات برجامی ایران قابل اتکا است، متن برجام است که در پایگاه اینترنتی وزارت خارجه ایران قابل دسترسی است.

تحلیل و جمع‌بندی

توافق هسته‌ای بیش از آنکه یک معاهده حقوق بین‌المللی باشد، بخشی از یک توافق سیاسی است که بررسی در چارچوب اصول حقوق بین‌المللی می‌تواند سبب تقلیل‌گرایی در تعریف و تفسیر درست آن شود؛ از این‌رو، در این بخش به بررسی سیاسی و حقوقی به صورت توأمان خواهیم پرداخت.

توافق هسته‌ای تنها بخشی از سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا برای محدود کردن قدرت ملی ایران در منطقه است. حتی همین راهبرد هم دشمنان جدی در داخل آمریکا دارد. پس از توافق هسته‌ای همچنان اقتصاد ملی ایران، فرهنگ عمومی ایران و جریان‌ات سیاسی داخلی ایران موضوع برنامه‌ریزی سیاستمداران آمریکایی برای تضعیف این کشور قرار خواهد گرفت. دشمنی ایران و آمریکا در لایه‌های عمیق‌تری از موضوع هسته‌ای قرار دارد و مذاکره صرفاً یک تاکتیک برای محدود کردن توان هسته‌ای ایران است. این رایج‌ترین توضیح از سوی طرفداران توافق با ایران در داخل جامعه آمریکا است، بنابراین پذیرش تعهدات برجامی از سوی ایران به مفهوم پایبندی آمریکا به آن نیست، بلکه در ذهن آمریکاییان این فقط یک تکنیک محدودسازی ایران بوده است.

به‌رغم دردناک بودن برای ما، ایران تن به برخی محدودیت‌ها در دانش هسته‌ای خود داده است و طرف مقابل نیز وعده‌هایی درباره تعلیق یا لغو تحریم‌های مرتبط با فعالیت هسته‌ای در همه سطوح داخلی و بین‌المللی داده است. این توافق از طرف نیروهای اصلی دخیل در سیاست خارجی کشورهای ایران و آمریکا به‌عنوان طرفین

اصلی مذاکرات هسته‌ای اخیر توافق خوب و قابل دفاعی بوده است، اما نکته اصلی و نگران‌کننده در میزان قدرت متغیرهای دخیل در تصمیم‌گیری بازیگران سیاست خارجی ایران و آمریکا است؛ از یک طرف، با شناخت از ساختار سیاست خارجی ایران می‌توان حدس زد مخالفان توافق در ایران نمی‌توانند تغییرات گسترده در جهت‌گیری سیاست خارجی ایران اعمال کنند، اما طرف دیگر این رابطه در شرایطی به سر می‌برد که امکان تغییرات مواضع آن‌ها نسبت به توافق هسته‌ای وجود دارد. جمهوری خواهان و دموکرات‌های نزدیک به اسرائیل در کنگره آمریکا اکثریت آرا را در اختیار دارند و مواضع پایدار و منفی نسبت به توافق با ایران داشته‌اند. بنابراین اولین چالش اساسی این توافق، این اکثریت جمهوری خواه یا دموکرات نزدیک به اسرائیل در کنگره و سنا است که از لحاظ قانون داخلی آمریکا بتوانند تعهدات برجامی آمریکا را ملغی کنند و بازگشت ایران به نقطه پیش از برجام، هزینه‌های بسیار زیادی بر ایران تحمیل کند؛ از طرف دیگر، توازن میان ضمانت اجرای نقض تعهدات از سوی آمریکا با ضمانت اجرای نقض تعهدات از سوی ایران متفاوت است. آمریکا تنها نیاز به وضع مجدد قوانین تحریمی دارد، در حالی که بتن‌های ریخته‌شده در قلب رآکتور اراک تنها بخشی از مشکلات ایران در رسیدن به نقطه پیش از برجام است.

این توافق با مخالفت صریح اسرائیل و نارضایتی ضمنی عربستان مواجه شده است. هر دو کشور قدرتمندترین لابی‌های موجود در آمریکا را هدایت می‌کنند. می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده کنگره و سنای مخالف توافق و لابی‌های مورد نظر، بیشترین لابی‌گری‌ها را برای تغییر جهت دولت آمریکا نسبت به برجام انجام دهند،

همچنانکه صحبت‌های وزیر خارجه درباره اعتماد کردن به جان کری، وزیر خارجه آمریکا در مذاکرات هسته‌ای می‌تواند به‌عنوان بخشی از این تغییر جهت دولت آمریکا در مذاکرات در نظر گرفته شود. با توجه به این نکات در صورت هرگونه بدعهدی از سوی آمریکا، کمیسیون برجام نمی‌تواند به‌عنوان نهادی قراردادی به درخواست‌های برحق ایران شکل دهد؛ چرا که علاوه بر سیستم ناعادلانه کمیسیون به لحاظ سیاسی نیز تقریباً همه اعضا با یکدیگر در محدودسازی ایران با یکدیگر اجماع دارند و نهایتاً نیز رأی‌گیری معیار شناخته شده است.

نقش تحولات منطقه‌ای و شیوه بازیگری ایران نیز در پابندی به این توافق حائز اهمیت است. لابی‌ها، کشورها و اصولاً نیروهای مخالف توافق به‌دنبال دلیلی برای تحریک افکار عمومی جهانی و کشورهای دخیل در مذاکرات به‌خصوص آمریکا در جهت تغییر رویکرد کنونی‌اش خواهند بود. به‌رغم نیاز آمریکا به توافق هسته‌ای با ایران، مخالفت‌های ذکرشده در صورت تحریک می‌تواند جامعه سیاسی آمریکا را به نتیجه‌گیری مخالفان توافق نزدیک کند. این تحریکات می‌تواند شامل کشاندن مستقیم پای ایران به درگیری‌های یمن، تحریک حزب‌الله و ایجاد جنگ جدید با اسرائیل، تغییر رویکرد همسوی ایران و آمریکا در جنگ با داعش، ایجاد بحران در مورد سوریه و درگیر کردن ایران در سوریه و ایجاد ناآرامی‌های داخلی باشد. اصولاً این گروه‌ها به‌دنبال دلیل برای امنیتی کردن مجدد ایران خواهند بود.

بحث محدودیت‌های موشکی ایران و مهم‌تر از آن، برقراری ارتباط میان بخش‌های موشکی و بخش‌های هسته‌ای از دیگر مباحثی است که در کانون توجهات منتقدان برجام قرار گرفته است. بر اساس توافق برجام، ایران دو محدودیت عمده موشکی را در قبال برجام تحمل خواهد کرد: اول اینکه ایران بر اساس بند ۳ بخش (ب) قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت متعهد شده است تا ۸ سال یا زمانی که آژانس گزارش گسترده‌تری درباره نتیجه تعهدات ایران منتشر کند، اقدام به آزمایش یا پرتاب موشک‌های بالستیک «طراحی شده برای حمل کلاهک هسته‌ای» نکند. از این‌رو ایران ملزم به رعایت تفاسیر احتمالی غرب از موشک‌هایی که قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را داشته باشد، می‌شود؛ برای مثال، در تازه‌ترین آزمایش موشکی ایران، دولتمردان آمریکایی معتقد بوده‌اند این موشک‌ها قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را داشته‌اند، بنابراین نقض برجام صورت گرفته است.^۱ نکته قابل توجه در این مورد این است که آمریکا در شرایط کنونی توان اجماع‌سازی و استفاده از سازمان‌های بین‌المللی دوران اوپاما را ندارد تا بتواند تفسیر خود از موشک‌هایی را که قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای دارند، بر ایران تحمیل کنند. در صورت به‌وجود آمدن این توان، این مسأله حقوقی می‌تواند به محملی برای اجماع‌سازی علیه ایران بدل شود. دومین تعهدی که ایران در برجام داده است، به مسائل موشکی مربوط می‌شود.

۱ - براساس اظهار نظر سایت اصلی حامی ترامپ، آزمایش موشکی ایران نقض برجام تلقی می‌شود. این قبیل از مواضع از سوی نماینده آمریکا در سازمان ملل، نیکسی هلسی و سخنگوی کاخ سفید، شان اسپایسر نیز اتخاذ شد.

Peter Kenyon, (2017) Did Iran's Ballistic Missile Test Violate A U.N. Resolution?) <http://www.npr.org/sections/parallels/2017/02/03>. & <http://www.breitbart.com/2017/02/01>.

دومین مسأله حقوقی‌ای که ایران در زمینه موشکی با آن مواجه است، به بازرسی‌های هسته‌ای اشاره دارد که ممکن است به صنایع موشکی ایران گسترش یابد. یکی از منفذهای حقوقی برجام متأسفانه این مسأله است که ایران بازرسی‌های هسته‌ای را به صورت گسترده پذیرفته است و امکان گسترش بازرسی‌های هسته‌ای به صنایع موشکی وجود دارد؛ به عبارت دقیق‌تر، چون از دید آمریکایی‌ها صنایع موشکی برای پرتاب بمب احتمالی هسته‌ای در حال گسترش است، مسأله موشکی نیز باید در چارچوب توافق هسته‌ای بازرسی شود.^۱

سومین مسأله‌ای که به عنوان نقض حقوقی برای برجام قابل ذکر است، برداشته نشدن تحریم‌های موشکی به رغم پذیرش تعهدات موشکی است. در واقع ایران تعهدات موشکی را بر اساس آنچه که گفته شد، پذیرفته، ولی این تعهدات مساوی با برداشته شدن حداقل بخشی از تحریم‌های موشکی نبوده است.

توافق ۲۰۳۰ برای تدوین سند آموزش و پرورش ایران

سند ۲۰۳۰ بر اساس تعریف سازمان ملل متحد در نشست ۲۰۱۵ در نیویورک به عنوان مجموعه‌ای از راهکارها برای توسعه پایدار برنامه‌ریزی و پیشنهاد شده است. بر این مبنا، کشورهای جهان ملزم شدند تا از ابتدای ۲۰۱۶ راهکارهای لازم برای اجرایی شدن این توافق را فراهم کنند. این توافق بسیار وسیع‌تر از موضوع آموزش و پرورش بوده

1 - <http://www.cnsnews.com&http://www.forbes.com/sites/realspin/2017/01/20> & <http://abc7ny.com>

و در برگیرنده تمام مسائل مرتبط با توسعه پایدار که در ۱۷ توصیه اصلی و ۱۶۹ توصیه فرعی سازمان‌دهی شده و هدف خود را حذف فقر و توسعه پایدار معرفی کرده است.

بر این اساس آموزش به‌عنوان مسأله‌ای مبنایی هدف واقع شده و دربرگیرنده اکثر توصیه‌های مرتبط با سند ۲۰۳۰ تعریف می‌شود.^۱ در این زمینه سازمان ملل با ارجاع این هدفگذاری بین‌المللی به نهادهای تخصصی خود یونسکو را متولی تدوین و اجرایی کردن برنامه‌های آموزش ۲۰۳۰ این سازمان قرار داد؛ از این‌رو، یونسکو در همکاری با کشورهای مختلف جهان ضمن بررسی سیستم آموزشی کشورهای مختلف اقدام به تهیه معماری دستور کار آموزشی ۲۰۳۰ بر اساس ارزش‌های جهانی می‌کند. در این رابطه یونسکو دارای سه نقش اصلی در تحقق آموزش ۲۰۲۰ است: ۱- هدایت هماهنگی و ایجاد شراکت و همکاری؛ ۲- بازبینی، نظارت و گزارش‌دهی در مورد پیشرفت‌های انجام شده در زمینه اهداف آموزشی؛ ۳- تقویت دولت‌های عضو در اجرای دستور کار جدید.^۲

۱ - در این دستور کار، آموزش فقط به هدف چهارم محدود نیست، بلکه در تحقق اهداف دیگر نیز نقش کلیدی دارد که عبارتند از: پایان بخشیدن به فقر (هدف اول)، بهداشت و رفاه انسانی (هدف سوم)، برابری جنسیتی (هدف پنجم)، کار شایسته و شرافتمندانه (هدف هشتم)، تولید و مصرف مسئولانه (هدف دوازدهم) و کاهش تغییر اقلیم (هدف سیزدهم). در واقع، آموزش قادر است پیشرفت به سوی تحقق همه اهداف دستورکار را تسریع کند و به این واسطه لازم است تا به‌عنوان بخشی از راهبردهای تحقق هر یک از اهداف دستور کار در نظر گرفته شود.

۲ - دکتر محدثه محب‌حسینی، آموزش ۲۰۳۰: ابزار اساسی برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد؛ به‌نقل از روزنامه مردم‌سالاری، سه‌شنبه ۹ شهریور ۱۳۹۵ و سایت یونسکو در ۱۴ شهریور ۱۳۹۵ در: <http://fa.unesco.org>

نقدهای مرتبط با سند ۲۰۳۰

شاید برای سند مزبور در ظاهر امر نگرانی موضوعیت نداشته باشد، چرا که سندی است که در راستای اهداف جمهوری اسلامی ایران درباره گسترش آموزش و پرورش صادر شده است و هماهنگ با سیاست‌های کشور ایران به دنبال ارتقای توانمندی‌های اقشار مختلف ایرانیان است، اما در مورد این سند مسائل متنوع حقوقی و سیاسی به‌عنوان نقد مطرح می‌شوند که در ادامه به اختصار به مواردی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

- اولین نقد حقوقی که درباره این سند وجود دارد و کاملاً واقعی است اینکه بر اساس سیستم آموزشی کشور تمامی اسنادی که مربوط به سیاست‌گذاری آموزشی کشور ایران هستند، باید بر اساس سازوکارهای خاص و با هماهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب برسد، درحالی‌که دولت یازدهم با پذیرفتن این سند تمامی این رویه‌های داخلی را نقض کرده و حتی فراتر از آن اقدام به ابلاغ برنامه آموزشی ۲۰۳۰ با هماهنگی یونسکو کرده است؛ به عبارت دیگر، این توافق همانند سایر اسناد تعهدآور بین‌المللی باید در نهایت در مجلس به تصویب برسد و ابلاغ و اجرایی شدن آن باید پس از تصویب مجلس باشد، درحالی‌که دولت ایران پس از پذیرفتن سند مذکور و در ۱۳۹۴ متعهد شده است تا رهنمودهای سند کلان ۲۰۳۰ یونسکو را در کتب آموزشی ایران به‌کار ببندد که خودبه‌خود نوعی تعهد به اجرای آن است.
- دومین مسأله‌ای که از دیدگاه معتقدان به «نفوذ» حائز اهمیت است عبارت است از: تلاش این سند برای تزریق برخی از ارزش‌های غربی که با ماهیت ساختار

و عملکرد ارزش جمهوری اسلامی ایران همخوانی ندارد؛ به عبارت دقیق‌تر، دستورالعمل این سند بر اساس ارزش‌های جهانی طراحی شده است که الزاماً همخوانی و همگرایی با دستورالعمل ایرانی ندارد. در این عدم تطابق برای مثال در این سند کشورها به تلاش در جهت فراهم کردن امکانات لازم برای آموزش در جهت برابری جنسیتی ترغیب شده‌اند که با اهداف جمهوری اسلامی ایران و تلقی آن از برابری جنسیتی تفاوت فراوان دارد؛ از طرف دیگر، این سند در بخشی جداگانه آموزش را از ارکان اساسی حقوق زنان قلمداد کرد که باید به صورت برابر با مردان اعمال شود. این مسأله در بسیاری از موارد حتی می‌تواند سیاست‌های آموزشی را که متناسب با نیازهای کشور طراحی شده‌اند، به چالش بکشند؛ برای مثال، آموزش پزشکی در ایران بر اساس برابری حقوقی همه پسران و دختران نیست، چرا که نیمی از ظرفیت فارغ از توانمندی در رقابت، به پسران تعلق دارد.^۱

■ از طرف دیگر، ایران همواره با اتهام وجود داشتن نابرابری جنسیتی در مجامع جهانی مواجه بوده است. بر اساس گزارش سال ۲۰۱۲ مجمع جهانی اقتصاد درباره توسعه انسانی، ایران رتبه ۱۲۷ را از میان ۱۳۵ کشور جهان دارد؛ به عبارت

۱ - شهین دخت مولاوردی در این زمینه بیان داشت که: در حوزه بهداشت و سلامت و آموزش کمتر به نابرابری زنان و مردان در کشورمان پرداخته شده است. در این حوزه ۷۰ درصد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر را دختران تشکیل می‌دهند و نرخ سواد زنان نسبت به مردان به ۸۰ درصد رسیده است. در این زمان بود که دولت با اتخاذ سیاست‌هایی همچون سهمیه‌بندی جنسیتی دانشگاه‌ها به نوعی نگرانی‌های خود را کاهش می‌دهد، به طوری که اولین بار در سال ۱۳۸۶ شاهد بودیم که سهمیه ۴۰ درصدی به نفع مردان در دانشگاه‌ها اعمال شد که حتی در رشته‌های پزشکی این سهمیه به ۵۰ درصد هم رسید. این سیاست‌ها به گونه‌ای بود که تا ۱۳۹۱، ۳۶ دانشگاه کشور دانشجوی دختر را نپذیرفتند و دختران اجازه حضور در ۷۷ رشته محل دانشگاهی را نیافتند.

دقیق‌تر، این گزارش نقطه‌ای را در اهداف خود دارد که ایران هم اکنون نیز به دلیل آن متهم قرار گرفته است.^۱

■ سیستم گزارش‌دهی در این سند نیز می‌تواند برای ایران مضرات بسیار زیادی به همراه داشته باشد. در این سند ذکر شده است که ایران باید همانند سایر کشور از اجرای این سند و نتایج آن گزارش‌هایی تهیه و به یونسکو ارسال کند. این مسأله می‌تواند به صورت جدی در طرح و تأیید اتهامات حقوق بشری و حقوق شهروندی علیه ایران مطرح شود. از آن‌جا که مسأله حقوق بشر یک مسأله سیاسی است تا حقوقی؛ گزارش‌دهی و در اختیار قرار دادن اطلاعات داخلی می‌تواند به تسهیل این روند محکوم شدن حقوق بشری ایران منجر شود.

منابع

آرام، محمدرضا و احمدی طباطبایی، محمدرضا (پاییز و زمستان ۱۳۹۳). «اصل وفای به تعهدات و قراردادهای؛ مقایسه حقوق بین‌الملل اسلامی و حقوق بین‌الملل معاصر». سال چهارم، شماره اول، پیاپی ۶. آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی. بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه. قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir>

آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافق‌های بین‌المللی، در: <http://rc.majlis.ir> ارجمندنژاد، عبدالمهدی (اسفند ۱۳۸۹ / ژانویه ۲۰۰۳). بانک‌های پوسته‌ای و دفاتر اجاره‌ای. تهران: کمیته نظارت بانکی بال، بانک تسویه بین‌المللی.

امامی، مجتبی (۱۳۹۵). مشکلات جدی اقتصادی توافقنامه پاریس / تبعات این توافقنامه سنگین‌تر از برج‌ام است. کارشناسی درباره لایحه موافقتنامه پاریس در مرکز پژوهش‌های مجلس، دوره دهم، سال اول، شماره ثبت: ۱۸۰، شماره چاپ: ۲۲۸، معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی دفاتر: مطالعات زیربنایی مطالعات حقوقی، شماره مسلسل: ۲۵۰۱۵۰۷۲.

جعفرزاده، احمدرضایی و قاسمی، سمیرا (۱۳۹۵). تحلیل تصویب پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق کودک در مورد به‌کارگیری کودکان در منازعه مسلحانه. چاپ پژوهشکده قوانین و مقررات.

چارچوب عمل ملی آموزش ۲۰۳۰: <http://fa.irunesco.org>

حدادی، مهدی (پاییز ۱۳۸۱). جایگاه موافقت‌نامه‌های حقوقی ساده در حقوق ایران. نشریه مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۱۴.

رابرت بلدسو، بوسچک (مراد ۱۳۹۵). فرهنگ حقوق بین‌الملل. ترجمه بهمن آقایی. تهران: کتابخانه گنج دانش.

رحیمی نسب، مهدی (مراد ۱۳۹۵). ماهنامه تحلیلی - ترویجی پدافند اقتصادی، شماره ۲۱.

زارع قاجاری، فردوس و قائم‌مقامی، علی (۱۳۹۲). استانداردهای بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم؛ توصیه‌های چهل‌گانه گروه ویژه اقدام مالی FATF.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: کتابخانه گنج دانش، چ ۳۴.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۸). حقوق معاهدات بین‌المللی. تهران: کتابخانه گنج دانش، چ ۴.

عبداللهی، سید محمدعلی (۱۳۹۳). آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی؛ بررسی مفهوم معاهده بین‌المللی. تهران: مرکز پژوهش‌های شورای نگهبان.

فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۱). حقوق بین‌الملل معاهدات. ویراست سوم، تهران: فرهنگ نشر نو، چ ۳.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: <http://rc.majlis.ir>

کاسسه، آتونیو (۱۳۸۵). حقوق بین‌الملل. ترجمه حسین شریفی طرازکوهی. تهران: میزان.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس: مشخصات لایحه دوره دهم (۱۳۹۵). سال اول، شماره ثبت: ۱۳۰، شماره چاپ: ۱۴۵، تاریخ چاپ: ۱۳۹۵/۰۵/۱۰، معاونت پژوهش‌های سیاسی حقوقی مطالعات حقوقی، شماره مسلسل: ۲۴۰۱۴۹۴۹.

لایحه دوره دهم (۱۳۹۵). سال اول، شماره ثبت: ۱۶۱، شماره چاپ ۱۸۰، تاریخ چاپ: ۱۳۹۵/۰۵/۱۶، معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی دفاتر: مطالعات ارتباطات و فناوری‌های نوین مطالعات زیربنایی مطالعات حقوقی، شماره مسلسل: ۲۸۰۱۵۰۲۸.

محب‌حسینی، محدثه (۹ شهریور ۱۳۹۵). آموزش ۲۰۳۰: ابزار اساسی برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد. به‌نقل از روزنامه مردم‌سالاری.

Jacobstein, Myron J. and Roy M. Mersky, *Fundamentals of Legal Research* (7th ed., Westbury, NY: Foundation Press, 1998) [KF240 .J32 1998]. See chapter 20 “International Law” for a good discussion of treaty research sources.

The S.S. ‘Lotus’ (France v. Turkey), Permanent Court of International Justice, 7 September 1927. Cited from: Joost P.J. Wielink, *Jurisprudentie en documentatie international publicrecht*, Boom Juridische uitgevers, Den Haag 2006.

Conde , H . Victor , *A Handbook of International Human Rights Terminology* , second Edition santa Barbara CA : ABC – Clio , 2002 , P.211.

Dominice, Christian, *The International Responsibility of States for Breach of Multilateral Obligations.*, EJIL 1999, Vol.10 No.2

Pierre Hauck, Sven Peterke, *International Law and Transnational Organized Crime*, Oxford University Press, 2016, p 149

Peter Kenyon, Did Iran’s Ballistic Missile Test Violate A U.N. Resolution? at: <http://www.npr.org/sections/parallels/2017/02/03/5>

Hayward, John, Iran Denies Ballistic Missile Test Violated Nuclear Deal, at: <http://www.breitbart.com/national-security/2017/02/01>.

World Development Reportn2012 Gender Equality And Development, at: <http://econ.worldbank.org>.

Vienna Convention on Diplomatic Relations 1961, at: legal.un.org .

Treaties And International Agreements, at: <https://www.law.berkeley.edu>

Goodenough,Patrick, Trump's National Security Picks Are No Fans of Iran or the Nuclear Deal, at:<http://www.cnn-news.com>.

Choksy, Jamsheed and Carol E. B. Choksy,Trump Vs. Iran: Going Beyond The JCPOA, at: <http://www.forbes.com>.

Vivian Salama And Matthew Lee,Trump Administration Hits 13 People, Dozen Companies In New Iran SANCTIONS,at:<http://abc7ny.com>.

United Nations Convention against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances, 1988 (the Vienna Convention).

United Nations Convention against Transnational Organized Crime, 2000 (the Palermo Convention)

International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, adopted by the General Assembly of the United Nations on 9 December 1999.

Combating Financing Terrorism (CFT), Anti-Money Laundering/Combating the Financing of Terrorism,at: <https://www.imf.org>

Process and criteria for becoming a FATF member, at: FATF-GAFI.org

International Union for the Protection of New Varieties of Plants (UPOV).

Wong Edward,Trump Has Called Climate Change a Chinese Hoax. Beijing Says It Is Anything But, at:<https://www.nytimes.com/2016/11/19>.

Crawford, James, State Responsibility, at: <http://opil.ouplaw.com>.

Hulac,Benjamin,Rules for ship, airplane emissions left out of Paris deal,at:<http://www.eenews.net/climate-wire/2015/12/14>.